

ماهنامه اجتماعی و ورزشی

وقت طلایی

دی ماه ۱۴۰۳ - سال پنجم - شماره ۵۷ - قیمت ۲۵۰ هزار تومان



فوتبال و باز هم فوتبال!

یک مجمع و هزاران حرف و حدیث!

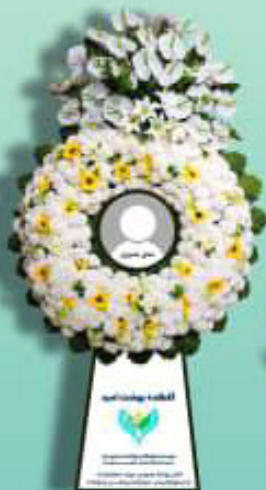




موسسه نیکوکاری توانمند سازی امید
حامی توان یابان ذهنی، اوتیسم، سندروم دان

گلکده بهشت امید

تاج گل های مصنوعی ویژه



وب سایت : www.beheshtomid.ir

ایتا : [@golkadeomid](https://www.instagram.com/golkadeomid)

تخفیف ویژه به فدراسیون ورزشی، باشگاه های ورزشی و قهرمانان ورزشی

تاج گل های انحصاری، جشن، یاد بود، افتتاحیه، باکس گل، استند! لوح نیکوکاری، لوح قاب عکس

تلفن روابط عمومی جهت سفارشات :
۷۷۹۹۸۸۰۱-۰۹۹۰۱۹۱۷۶۸۳-۰۹۱۰۹۴۵۴۰۲۴

عمده عواید سفارش شما در مسیر فعالیت های
موسسه نیکوکاری امید «حامی توان یابان ذهنی
اوتیسم و سندروم دان» هزینه خواهد شد.

بازداشت مدیر مسئول

۱۱. نقد هم به نقاط ضعف اشاره می‌کند هم به نقاط قوت، اما انتقاد صرفاً روی نقاط ضعف تمرکز می‌کند.
۱۲. نقد به ساختار می‌نگرد، اما انتقاد عیب‌ها را می‌کاود.

۱۳. نقد «شفاف‌سازی» اما انتقاد «ابهام» ایجاد می‌کند.

۱۴. نقد صداقت و تواضع دارد، اما انتقاد طعنه آمیز، بی‌رحم و مغرور است.

۱۵. نقد اثر را دقیق تحلیل و ارزیابی می‌کند، اما انتقاد بی‌رحمانه به اثر و خالق آن حمله می‌کند.

۱۶. نقد در پی یافتن داشته‌هاست، اما انتقاد به دنبال یافتن کمبودهاست.

۱۷. نقد لیخن‌بر لب می‌نشانند، اما انتقاد اشک را جاری می‌کند.

۱۸. نقد «توصیف» می‌کند، در حالی که انتقاد «قضاوت» می‌کند

۱۹. نقد مهربان، منصف و مشفق است؛ اما انتقاد سرشار از تحقیر، تمسخر، طعنه و تهاجم است.

۲۰. نقد به بهترین اثر نویسنده اشاره و او را تحسین می‌کند، اما انتقاد به ضعیف‌ترین اثر نویسنده اشاره و او را تخریب می‌کند.

۲۱. نقد عینی، خاص و ملموس است، اما انتقاد ذهنی، کلی و مبهم است.

۲۲. نقد شفاف‌سازی می‌کند، اما انتقاد آنچه را نمی‌فهمد محکوم می‌کند.

۲۳. نقد بر پایه دلایل و شواهد استوار است، اما انتقاد به دلایل و شواهد اعتنا نمی‌کند.

۲۴. نقد علمی و تخصصی اما انتقاد عوام‌گرایانه و پوپولیستی است.

۲۵. نقد خوب گوش می‌کند، در حالی که انتقاد هیاهو می‌کند.

۲۶. نقد به داشته‌ها توجه می‌کند، اما انتقاد به کمبودها.

۲۷. نقد «همدلی» ایجاد می‌کند، اما انتقاد «تفرقه» می‌اندازد.

۲۸. نقد به شوخ‌طبعی توجه می‌کند، اما انتقاد شوخ‌طبعی را برنمی‌تابد.

۲۹. نقد بیش‌تر در زمینه‌های هنری (مانند نقد فیلم، نقد ادبی و نقد موسیقی) صورت می‌گیرد، اما انتقاد بیش‌تر در زمینه سیاست و روابط اجتماعی شکل می‌گیرد.

۳۰. نقد به توسعه فردی و جمعی کمک می‌کند، اما انتقاد مانعی است در مسیر توسعه فردی و جمعی.

همه ما معمولاً در معرض قضاوت شدن یا در مقام قضاوت کردن قرار می‌گیریم. ما همه در باره موضوعات یا افرادی خاص نظراتی داریم. اما باید در نحوه بیان نظراتمان مراقب باشیم و مسئولانه ببیند بشیم. آیا می‌خواهیم با فروتنی، لطافت، محبت و مهربانی نظراتمان را بیان کنیم؟ یا اینکه می‌خواهیم سنگدلانه، سختگیرانه و پیش‌داورانه در باره دیگران قضاوت و اظهار نظر کنیم؟ آیا می‌خواهیم لیخن‌بر لب نشانمان یا می‌خواهیم اشک‌شان را جاری کنیم؟ به عبارت دیگر، آیا می‌خواهیم نقد کنیم یا انتقاد؟



محمد رضا نصرالله زاده
mrn_barzi@yahoo.com

نقد هاستیم، اما منتقد نیستیم!

بدفعات شنیده‌ایم که می‌گویند: فلانی انتقادپذیر نیست، و یا اینکه شما انتقادپذیر نیستید. این ادعا به معنای واقعی کاملاً درست است؛ هیچ‌کس «انتقادپذیر» نیست، و نباید هم باشد. اما با قاطعیت می‌توان گفت که همه نقدپذیرند. هیچ‌کس دوست ندارد با لحنی تند، مغرورانه، پیش‌داورانه، تحقیرآمیز و کنایه آمیز به او بگویند: تو آدم نادانی هستی و زود قضاوت می‌کنی! اما همه ما دوست داریم با لحنی آرام، محترمانه، منصفانه، مؤدبانه و مشفقانه به ما بگویند: شما که انسان محترم، متواضع، مودب و متفکری هستید بهتر است به دقت درباره موضوع مورد بحث تحقیق کنید تا به یک قضاوت منطقی و درست دست پیدا کنید. برآستی کدام شیوه مؤثرتر است؟ ما همه تصور می‌کنیم که توان اظهار نظر و قضاوت درباره افراد و موضوعاتی خاص را داریم. اما آنچه تصور نمی‌کنیم ناتوانی در بیان اظهار نظر درست و منطقی درباره آن موضوعات و افراد است. اظهار نظر ما بیشتر «انتقادی» است، نه «نقدانه».

ما معمولاً واژه‌های «نقد» و «انتقاد» را به جای هم به کار می‌بریم، در حالی که هر کدام معانی خاص خودشان را دارند و در بافت‌های متفاوت به کار می‌روند. در اینجا می‌خواهیم به ۳۰ تفاوت بین نقد و انتقاد به اجمال اشاره ای داشته باشیم!

۱. هدف نقد، ارتقای کیفیت تفکر است، اما هدف انتقاد صرفاً بیان نارضایتی‌هاست.

۲. نقد مستلزم آموزش و تمرین است، اما انتقاد به آموزش و تمرین نیاز ندارد.

۳. نقد سازنده و مثبت اما انتقاد مخرب و منفی است.

۴. نقد «تحلیل و ارزیابی» اما انتقاد «پیش‌داوری» می‌کند.

۵. نقد هم ستایش می‌کند و هم سرزنش، اما انتقاد فقط سرزنش می‌کند.

۶. هدف نقد حل مشکل و یافتن راه حل‌هاست، اما انتقاد صرفاً مشکل را بیان می‌کند و به راه حل‌ها توجه نمی‌کند.

۷. در نقد تفکر کند (سیستم ۲) فعال است، اما در انتقاد تفکر سریع (سیستم ۱) عمل می‌کند.

۸. نقد مبتنی بر معیارهای جمعی و عقلی است، اما انتقاد بر مبنای معیارهای خودمحورانه صورت می‌گیرد.

۹. رویکرد نقد علمی و منطقی است، اما رویکرد انتقاد احساسی و قضاوتگرانه است.

۱۰. نقد منصفانه و منطقی اما انتقاد مغرورانه و سوگیرانه قضاوت می‌کند.



وقتی پدر نیست، انگار زندگی هم نیست! آرامش هم نیست!
وقتی پدر نیست انگار همه چیز عوض شده است!
وقتی پدر نیست انگار زندگی با هیچ چیزی شیرین نمی‌شود!
و وقتی پدر نیست انگار خنده‌ها از هزاران گریه هم تلخ‌تر می‌شود!



ماهانامه اجتماعی، ورزشی وقت طلایی

● دی ماه ۱۴۰۳

● سال: پنجم

● شماره ۵۷

● صاحب امتیاز و مدیر مسئول

محمد رضا نصرالله زاده

● سردبیر

سارا نصرالله زاده

● دبیر تحریریه

محمد هادی صادقی

● زیر نظر شورای نویسندگان

● چاپ: ایران کهن

● صندوق پستی: ۳۵۱۷-۱۵۸۷۵

● خیابان شهروندی جنوبی، کوچه دبیر، پلاک

۶، طبقه اول تلفن: ۰۲۱۷۷۵۳۵۵۸۸

● سازمان آگهی‌ها

۰۹۳۳۵۳۰۳۶۶۳

● ایمیل

mrn_barzi@yahoo.com

● اینستاگرام: @goldentime 98



فوتبال و باز هم فوتبال!

یک مجمع و هزاران حرف و حدیث!

نمی‌شود. همین پروسه انتخابات فدراسیون را ببینید؛ وقتی می‌شود با ۵ تاییدیه وارد این انتخابات شد چرا یک کاندیدا با ۸۰ تاییدیه وارد عرصه انتخابات می‌شود، آیا عملاً چیزی برای دیگر افرادی که چه بسا برخی از آنها شایسته‌تر هم هستند باقی می‌ماند؟ حتی در خصوص اساسنامه‌ای که این روزها خیلی‌ها دم از آن می‌زنند هم ایراداتی وجود دارد که جای بحث و بررسی دارد و اگر بخواهیم آن را تشبیه به چیزی کنیم باید بگوئیم که اساسنامه فدراسیون فوتبال شبیه قلعه‌ای است که یک در و یک کلید دارد و آن کلید هم در دستان یک عده است و تنها این افراد خاص اجازه ورود و خروج به آن قلعه را دارند. فکر می‌کنیم دیگر به جایی رسیده‌ایم که در حوزه فوتبال باید به خواست مردم بیشتر توجه شود و تغییراتی اساسی در این خصوص شکل بگیرد. این مردم هستند که با نتایج فوتبال شاد و غمگین می‌شوند و این مردم هستند که به فوتبال هویت می‌دهند، بنابراین اگر مردم مقام مسئولی را در فوتبال نمی‌خواهند باید به این خواسته احترام گذاشته شود. نکته دیگر اینکه برای پیشرفت فوتبال ایران باید گوش شنوایی در خصوص حرف‌های منتقدان وجود داشته باشد. به طور مثال در مورد همین تیم ملی و نقدهایی که در خصوص آن وجود دارد؛ بسیاری از آقایان بابت این انتقادات ناراحت شده‌اند. مسئولان و متولیان فوتبال باید در نظر بگیرند که وقتی سهمیه آسیا هشت و نیم تیم شده است، دیگر صعود به جام جهانی ملاک خوبی

برای پیشرفت فوتبال ایران باید گوش شنوایی در خصوص حرف‌های منتقدان وجود داشته باشد اما بسیاری از آقایان بابت این انتقادات ناراحت می‌شوند. بپذیریم که بحث فوتبال همواره در جامعه ما داغ بوده و حساسیت‌های مخصوص به خود را داشته



سعید نصرالله زاده

است؛ به نظر شما چرا امروز این احساس و تلقی در بین مردم وجود دارد که، حال این ورزش پرطرفدار چندان مساعد نیست؟ احساس می‌کنیم خصلت ورزش فوتبال این طور است که هیچ‌گاه حال خوبی نداشته باشد، اما شرایط امروز فوتبال ما این بدحالی را مضاعف کرده است. برای اینکه موضوع کمی شفاف‌تر شود از فدراسیون فوتبال شروع کنیم. اولین نکته‌ای که در فدراسیون اهتمام لازم برای اجرای آن وجود ندارد، استفاده از نظرات و تفکرات متفاوت است. طی سال‌های گذشته نیز

به نحوی رفتار شده که هیچ منتقدی اجازه سخن گفتن در خصوص ایرادها و اشکالات فدراسیون فوتبال و برخی از دست‌اندرکاران آن را نداشته است. البته بحث به همین جا ختم



جمله‌ای را به نقل از فرگوسن نقل می‌کنیم که می‌گوید: ما مربیان را استخدام می‌کنیم تا اخراجشان کنیم. در فوتبال ایران که اصلا به دنبال مربی‌ای نیستیم که استخدامش کنیم! کدام مربی در دنیا از پول بدش می‌آید و حاضر نیست در ایران فعالیت کند؛ مخصوصا مربیانی که در حال حاضر تیم ندارند. اما موضوع اینجاست وقتی این مربیان از امکانات و مشکلات اساسی فوتبال ما مطلع می‌شوند، پا پس می‌کشند یا چنان مبالغه‌های هنگفتی را طلب می‌کنند که عملا توافقی حاصل نمی‌شود. مربیان بزرگ امکانات بزرگ هم می‌خواهند؛ زمین تمرین مناسب و ورزشگاه مجهز نیاز دارند. مربی کارنامه و اسم و رسم‌دار دارد. و می‌خواهد تیمش بر روی با کیفیت‌ترین چمن تمرین کند و بازی‌های خود را بر روی آن به نمایش بگذارد. بنابراین بحث زیرساخت‌های باشگاه‌ها و به خدمت گرفتن مربیان بزرگ، مواردی هستند که هر کدام بدون دیگری نتیجه لازم را به وجود نخواهد آورد.

ماحصل تمام این صحبت‌ها این می‌شود که ما باید در فوتبال به یک وفاق برسیم و این ورزش پرطرفدار را به صورت یک مجموعه نگاه کنیم. ضمنا تا زمانی که ما منتقدین را غیر خودی بنامیم و هر کس که ما را تایید کرد، خودی تلقی کنیم و این چنین مرزبندی برای خود داشته باشیم، هیچگاه اتفاق مثبتی در فوتبال نخواهد افتاد. همه ما دلمان برای فوتبال کشورمان می‌سوزد. نه فقط فعالان عرصه رسانه و ورزش، بلکه حتی مردمی که چندان فوتبال را پیگیری هم نمی‌کنند ولی به تیم ملی علاقه‌مند هستند و برای پرچم کشورشان احترام و ارزش قائلند، آنها نیز دلسوز این فوتبال هستند. مگر می‌شود کسی را در نظام جمهوری اسلامی ایران پیدا کنیم که قلبش برای پرچم کشورش نتپد؛ پس اگر کسی انتقادی می‌کند به دلیل همین علاقه به کشور است و دوست دارد این پرچم همواره در تمام مسابقات پرافراشته باشد تا مایه مباهات همه ایرانیان شود. دوست داریم تیم ملی کشورمان قدرتمند باشد و خدای نکرده در میادین جهانی و آسیایی زنگ تفریح دیگر کشورها نشود. برای اینکه به جایگاه واقعی خود در فوتبال آسیا و دنیا برسیم باید واقعیت‌ها را ببینیم و قبول کنیم که در برخی موارد مانند بحث زیرساخت‌ها بسیار ضعیف عمل کرده‌ایم. ما باید با الگو برداری از کشورهایی که در این خصوص موفق عمل کرده‌اند برخی از نواقص را برطرف کنیم و نقاط قوت خود را پررنگ‌تر نماییم. تا به جای یک ورزشگاه استاندارد و خوب، ۱۰ ورزشگاه در سراسر ایران داشته باشیم که بتوانیم بازی‌های بین‌المللی خود را در آنها برگزار کنیم. جالب اینکه این موارد هیچ کدام، هزینه هم محسوب نمی‌شود و به نوعی سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و غیر مستقیم که برایمان بازگشت سرمایه هم خواهند داشت. مطمئن باشیم که اگر این نگاه به وجود بیاید، آنگاه اتفاقات بسیار خوبی در فوتبال برای ما خواهد افتاد.

بابت ارزیابی عملکرد کادر فنی تیم ملی محسوب نمی‌شود و ما باید برنامه ریزی‌های بیشتر و بهتری برای مسابقات جام جهانی داشته باشیم تا به مراحل بعدی صعود از مرحله گروهی بیاندیشیم. بنابراین اگر می‌خواهیم فوتبال رو به پیشرفتی داشته باشیم باید به حرف منتقدان گوش داده و آن بخشی که قابلیت اجرایی دارد و خوب است را به اجرا درآوریم.

بتازگی کارشناسان فدراسیون بین‌المللی تاریخ و آمار فوتبال، لیگ‌های برتر فوتبال دنیا را بر اساس کیفیت آنها رده‌بندی کرده‌اند و بر همین اساس رتبه ایران در جهان شصت و هفتم و در بین تیم‌های آسیایی رتبه هفتم را داراست. آیا این امکان وجود نداشت ما هم در بین ۳ تیم برتر آسیا قرار داشته باشیم؟ واقعیت این است که فوتبال ما به لحاظ زیرساخت بسیار در سطح پایینی قرار دارد. کسب نتایج تیمی و حتی پویایی در لیگ یکی از بخش‌های مهم در این رتبه‌بندی‌هاست. کارشناسان وقتی می‌خواهند به لیگ یک کشور امتیاز بدهند به مجموعه‌ای از اقدامات و برنامه‌ریزی‌ها و چشم‌اندازهای یک لیگ نگاه می‌کنند. در این میان بحث زیرساخت‌های فوتبال یکی از مواردی است که چشم‌انداز فوتبال هر کشوری را تا حدود زیادی مشخص می‌کند. شما نمی‌توانید به مسئولانی که برای نظارت به ایران می‌آیند استادیوم آزادی را به عنوان ورزشگاه محل برگزاری مسابقات تان نشان دهید ولی عملا در شهر قدس و اراک میزبان دیگر تیم‌ها باشید. تیم‌های بزرگی مانند استقلال و پرسپولیس هنوز هم از داشتن یک زمین تمرین مناسب محروم هستند و این واقعیت فوتبال ما را نشان می‌دهد. حالا چه برسد به اینکه بخواهیم بگوئیم برخی از تیم‌های کم‌بضاعت‌تر در کجا تمرین می‌کنند و در کدام ورزشگاه میزبان خواهند بود. وقتی به همه این موارد نگاه می‌کنیم به همان نتیجه‌ای می‌رسیم که کارشناسان بین‌المللی رسیده‌اند و ما پس از ژاپن، عربستان، کره جنوبی، امارات، چین و تایلند در رتبه هفتم قرار داریم. ما یک ویرینی از فوتبال ایران به نام تیم ملی ساخته‌ایم و با برد تیم‌هایی مانند قرقیزستان و ازبکستان و غیره که اتفاقا باعث شده در رنکینگ فیفا هم کمی صعود کنیم بگوئیم این ناشی از برنامه‌ریزی‌های طولانی مدت ماست، در حالی که واقعیت فوتبال در لیگ مانده‌است.

باید باشگاه‌های ما نیز کمی برنامه ریزی داشته باشند و به جای هزینه‌هایی که حتی برای کسب نتیجه هم گاهی کمکی به آنها نکرده، از سرمایه‌های مالی و هواداری خود استفاده کنند تا برای خودشان ورزشگاه، زمین تمرین اختصاصی و حتی هتل داشته باشند. وقتی اینگونه به واقعیت‌های فوتبال مان نگاه می‌کنیم به این واقعیت می‌رسیم که اگر امروز در بین تیم‌های آسیایی هفتم هستیم باید خیلی خوشحال باشیم.

رقابت سخت ۱۱ اسفند فوتبالی ها!

همه چشم انتظار شروع پروسه ثبت نام!

سكان آن را در دست بگرفته و هزینه هایی مانند هزینه قرارداد و بیمه و ... را هم نداشته باشد، جذب این مقدار پول برای کار چندان سختی نخواهد بود. البته با شروع پروسه ثبت نام که متأسفانه هنوز زمانش مشخص نیست با این واقعیت بیشتر آشنا خواهیم شد، جایی که بدون شک افرادی به میدان آن خواهند آمد که برای تهیه این مقدار بودجه، نگاه شان به جیب دولت نباشد! در چنین شرایطی و بدون شک مشخص خواهد شد که چه کسی یا کسانی برای رقابت واقعی گام در عرصه رقابت ها گذاشته و یا چه کسی یا کسانی به عنوان کاندیدی پوششی آمده و می خواهند در فردای روز انتخابات برای خود امتیاز بگیرند.

جاری آن پیش بینی کرده و می کنند. هزینه ای که می تواند مسیر مجمع انتخاباتی فدراسیون فوتبال را که قرار است یازدهم دی ماه برگزار شود را بر خلاف مجامع قبلی به سمت و سوی جدی تری هدایت کند. چرا که قاعدتا و با این اوضاع و احوال هر کسی خودش را کاندیدی ریاست فدراسیون فوتبال نخواهد کرد و تنها کسانی به میدان رقابت خواهند آمد که کار درآمذایی را بلد و این پتانسیل را دارند که برای فوتبال پول و سرمایه بیورنی بیاورند. اصولا با این پیش بینی اولیه باید کسانی وارد کارزار رقابت شوند که بتوانند حداقل با آمدن شان ۱/۵ برابر بودجه پیش بینی شده را برای فوتبال جذب کنند، فوتبالی که اگر یک مدیر اقتصادی



سعید حاتمی

فدراسیون فوتبال ایران سال آینده، و بنابه گفته کارشناسان سال پر هزینه ای را پیش روی خود خواهد داشت. سالی که دست اندرکاران فوتبال با استناد به موارد مورد بحث بودجه ای بالغ بر هزار و پانصد تا دو هزار میلیارد تومان را برای پوشش هزینه های

واکنشی به همین سادگی!

خاص، یا همپوشانی برنامه یکی دو کاندیدا باشد، و شاید احتمال ائتلاف کاندیداها و ...! حال با وجود شناخت کامل مردم ایران از برنامه های کاندیداها، شعار ما مردم ایران چه باشد؟
۱- بر اساس نقطه ضعفهای برنامه های قبلی؟
۲- آزموده را آزمودن خطاست؟
و یا براساس روند های قبلی و بقول لوتر کینگ «هر چیزی که می بینیم، سایه ای است از آنچه که نمی بینیم»؟ واکنشی به همین سادگی

امروز پس از مدتها می بینیم، هر کاندیدا یک بانوی نایب رئیس معرفی کرده، فارغ از قضاوت در مورد ایشان، برای افزایش کمیت زنان شناخته شده خشنود می شویم و عدم معرفی یکی از کاندیداها موجب تعجب می شود و شاید نقطه ضعف تیم! انتظار می رود معرف هر کاندیدا برنامه منحصر بفرد و احتمالا جدیدی باشد، و وجود یک فرد در بیش از یک گروه ممکن است یا به دلیل حرفه ای گری فوق العاده فرد در انجام یک ماموریت، یا عدم نیاز یک ماموریت به تخصص فردی



فریده هادوتی

ملاک ترتیب اعلام کاندیداها چیست؟ الفبایی که نیست، تقدم و تاخر در ثبت نام هم نیست، سنی هم که نیست، و شاید سوگیری خبر! وقتی

فیفا هر اسی هم حدی دارد!

آقای وزیر منتظر تحقق وعده های شما می مانیم!

رئیس فدراسیون فوتبال حضور داشته باشند! پس چرا هنوز که هنوز است حضور دارند؟ چرا در هر دوره نگاه و استناد به اساسنامه سلیقه ای انجام می شود؟ چرا در اساسنامه تغییر یافته و تصویبی توسط اعضای هیات رئیسه در سال یکپهزار سیصد و نود و نه بند عزل موقت رئیس فدراسیون حذف شده است؟ چرا بند استعفا یا برکناری اعضای هیات رئیسه پس از ترک پست قبلی حذف شده است؟ و چراهای دیگری که بیان آنها را به وکشتن موکول می کنیم. همان بندهایی که در هیات رئیسه فدراسیون فوتبال تغییر اما هرگز به تأیید فدراسیون بین المللی فوتبال FIFA نرسیده است. چرا که اگر رسیده بود، قطعا بر روی سایت فدراسیون هم قرار می گرفت، اتفاقی که هنوز نیفتاده است! مگر نه اینکه فیفا مخالف ایجاد شرایطی است که مانع از حضور آزادانه افراد در انتخابات فدراسیون های فوتبال تمامی کشورهای عضو شود، پس چرا ما اینقدر شرایط را سخت کرده ایم و قوانین را بنفع خودمان تفسیر کرده ایم؟

می توانستند تأثیری ولو اندک در پیشرفت این فوتبال داشته باشند، شرایط امروز فوتبال ایران به این شکل و سیاق نبود و ... البته بسیاری از این دوستان برای توجیه عملکرد خود به اساسنامه فدراسیون فوتبال استناد می کنند. اساسنامه ای که خودش منشا تمامی این مشکلات بوده و هست. اساسنامه ای که یک بند آن، بعد از عزل یک رئیس فدراسیون از آن حذف می شود، دیگر نامش اساسنامه نیست! اساسنامه ای که در آن شرایط تحصیلی کاندیداها هیچ اهمیتی ندارد آیا نامش را می شود اساسنامه گذاشت؟ این چه اساسنامه ای است که در آن شرط حضور در انتخابات را دارا بودن ۵ تأییدیه از سوی اعضای مجمع گذاشته است. آیا شرط داشتن ۴ سال سابقه مدیریت با آن مغایرت ندارد؟ آیا در کشورهای دیگر هم کاندیداهای احراز پست ریاست فدراسیون فوتبال باید از اعضای مجمع آن ۴ تأییدیه بگیرند؟ اگر ملاک اساسنامه است که اساسنامه صراحتا می گوید که دوستانی که از هیات استانی و مدیریت یکی از باشگاه های صنعتی کنار گذاشته شده اند دیگر نباید در هیات

خدا را شکر، سرانجام زمان ثبت نام کاندیداهای احراز پست ریاست فدراسیون فوتبال هم به پایان رسید تا خیلی از واقعیت های این فوتبال که بنوعی برای اهالی آن مغفول مانده بود، عیان شود. بگذریم از اینکه کاندیداها بویژه یکی از آنها با تأییدیه های بیشتری که گرفتند، جلو حضور حداقل ۸ علاقه مند جوان تر و چه بسا شایسته تر و توانمندتر دیگر را گرفتند! و اجازه ندادند تا دیگر افراد شایسته هم حضور در این فضا را تجربه کنند! البته این اتفاق از قبل هم قابل پیش بینی بود، چرا که تا زمانی که فرمان این فوتبال دست دوستانی باشد که برخی هیات های استانی را به گروگان گرفته اند، آتش همان آتش است و کاسه همین کاسه! آخر چطور می شود که یک فرد از زمان تصدی یک مسئولیت در یک هیات استانی خیالش تا پایان عمر برای داشتن آن مسئولیت راحت باشد! اصلا چه کسی در فوتبال ایران بر عملکرد مسیولان هیات های استانی نظارت می کند؟ چرا به این فکر نمی کنیم که اگر خیلی از این دوستان

با فوتبال زندگی می کنیم!



سید رضا فیض آبادی

کدام مسئول را می شناسید که برای ماندن در پست خود تلاش نکند؟ پست های انتسابی جای خود که قصه پر غصه ای است و مردم ما از دست این مدیران نالایق غصبی و انتسابی چه ها که نکشیده اند. اتفاقا هر چقدر طرف نالایق تر است بیشتر

برای بقا دست و پا می زند ولی مبحث ما در باب مدیران انتخابی است. در ورزش هر دو بخش را داریم. روسای فدراسیونهایی که در چرخه انتخابی قرار دارند و معاونین وزیر و مدیران ستادی و مدیران کل استان و شهرستان که جزو منسوبین هستند.

از ابتدای دولت سیزدهم بسیاری از مدیران استانی و شهرستانی ورزش تغییر کرده اند و طبیعی است که این منسوبین منتظر موج تغییرات در دولت چهاردهم باشند. براساس بازدید میدانی که همین دو هفته گذشته از چند استان کشور داشتیم حال و روز ورزش را در بسیاری از نقاط دور و نزدیک تاسف بار دیدیم و اگر هم در جایی هنوز چرخ ورزش استان درست و خوب می چرخد بواسطه حس وظیفه شناسی مدیر آن مجموعه است که منتظر و نگران تغییرات نیست و تا لحظه آخر کارش را انجام می دهد. کاش وزیر ورزش یک بخشنامه کند و از تمام مدیران استانی بخواهد که با قدرت، برنامه های خود را به پیش ببرند و نگران تغییرات هم نباشند. این آفت بزرگی است که در تغییرات دولت ها به جان ورزش می افتد و جرات و جسارت و ریسک را از مدیران می گیرد. البته مدبری که اهل ریسک باشد مثل علی جوادی مدیر کل تهران شجاعانه کار خودش را می کند چرا که به کاری که انجام می دهد، اعتقاد دارد. اما روسای فدراسیون ها حکایت دیگری دارند.

آنها در چرخه دموکراتیک انتخاباتی قرار گرفته و اینجا بحث رقابت است.

رقابت هر ۴ سال یکبار بین گروه حاکم و یکی دو گروه خارج از تشکیلات هر فدراسیون بوجود می آید و طبیعتا در بازار رقابت انتخاباتی برخی موارد مطرح می شود که در زمره، ذات انتخابات است. چه خوب است وقتی یک نفر در انتخابات فدراسیونی برنده می شود، بقیه به رای مجمع احترام بگذارند و دست به دست هم بدهند تا ورزش نجات پیدا کند. اما انتخابات فدراسیون فوتبال برای ورزش ما فراتر از انتخاب یک رئیس فدراسیون است! چرا که در گذشته داشتیم معاون رئیس جمهوری که همزمان رئیس سازمان تربیت بدنی هم بود و برای ریاست فدراسیون فوتبال هم اعلام نامزدی کرد ولی قانون اجازه نداد! بنابراین اهمیت فوق العاده ای دارد.

بدون شک هر فردی هم که انتخاب شود منتقدین و مخالفینی دارد و البته موافقینی که وفادار به شخص منتخب هستند. همانها که الان از محمد دادکان و صفایی فراهانی تعریف و تمجید می کنند در همان دوران هم اگر منافع شان تامین نمی شد انتقاد می کردند. متأسفانه با نزدیک شدن به ۱۱ اسفندماه، زمان انتخابات فدراسیون فوتبال شاهد حملات کم سابقه ای علیه مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال هستیم. در حالی که هنوز مشخص نیست که وی کاندیدای ریاست می شود یا نه شاهد هجمه ها و تخریب و پرده دری به اسم انتقاد در فضای مجازی و برخی رسانه ها علیه تاج هستیم. تاج موفق ترین رئیس فدراسیون نبوده است ولی مدیری است از جنس فوتبال که سال های سال از زمین ها فوتبال شروع کرده و مدیر باشگاه بوده و وارد چرخه مدیریت فوتبال شده تا رسیده به ریاست فدراسیون فوتبال. اگر بخواهیم چند نفر را به عنوان کاندیدای فدراسیون معرفی کنیم تاج هم یکی از آنهاست به رغم همه انتقاداتی که بر او وارد است. انتقاد را اگر از تخریب و منافع شخصی جدا کنیم بهتر نتیجه گیری می کنیم. یکی از انتقادات در مورد تاج، تنها به میدان رفتن اوست. چرا که تمام موارد را رئیس فدراسیون به تنهایی باید پاسخگو باشد؟ زمین چمن، وی ای آر، ضعف های دوری ها... هر کدام متولی خودش را دارد. آقای تاج چرا دبیر کل شما برای یکبار هم که شده پاسخگو نیست در حالیکه تمام این امور اجرایی به دبیر کل بر می گردد.

چرا رئیس کمیته داوران شما اینقدر منفعل و ضعیف عمل می کند؟ چرا روسای هیات های استانی برای میزبانی مسابقات لیگ در زمین های هموار و خوب تلاش نمی کنند و پاسخگو هم نیستند؟ چرا نواب رئیس فدراسیون فوتبال سکوت می کنند؟

چرا یک سرپرست نام آشنای کاردان برای تیم ملی انتخاب نمی کنید تا جلو بسیاری از این اتفاقات بین سرمربی با رسانه ها را بگیرد؟ به آقای نبی خداوند تندرستی بدهد ولی نایب رئیس که نباید سرپرست تیم ملی باشد. بخصوص با اوضاع فعلی که آقای نبی دارند برایش این پست بسیار سنگین است.

آقای تاج، کاش در همه کمیته ها افرادی مثل حسن زاده (رئیس کمیته انضباطی) راس کار باشند تا مستقل از هر اعمال نظری بتوانند کار خودشان را به پیش

ببرند. اگر بناست رئیس فدراسیون جور ندانم کاری کمیته داوران و کمیته های دیگر را بکشد پس دیگر چه نیازی به وجود آنهاست. روسای هیات های استانی بعضا فقط در مسافرت ها دیده می شوند در حالیکه آنها رئیس فدراسیون استان خود هستند.

الان میرشاد ماجدی چه تفاوتی با شیرازی در استان تهران دارد؟ ماجدی چه باری از روی دوش فوتبال تهران برداشته است؟ چقدر برای میزبانی تیم های تهرانی در لیگ تلاش می کند؟ بنظر می رسد این افراد جایگاه خود را فقط برای روز رای گیری ریاست فدراسیون فدا می کنند. حفظ می کنند تا سهمی از این خوان گسترده داشته باشند! در مدارس و دکان های فوتبال استان تهران چه می گذرد؟ چرا با چاقو و قمه دنبال داوران می کنند و هزار و یک اتفاق ناخوشایند دیگر؟ اتفاقاتی که گویا به این عالی جنابان ارتباطی ندارد و مهم جایگاهی است که ۴ دستی به آن چسبیده اند.

متأسفانه در تهران فوتبال متولی درست و حسابی ندارد و دیدیم که با رفتن شیرازی و آمدن ماجدی فضا بدتر شد که بهتر نشد. در باب میزبانی تیم های تهرانی هم هیات فوتبال انگار خود را جدا از این مسائل می داند! حال آنکه در هر حال هیات فوتبال هر استان جوابگوی مسابقاتی در این سطح باید باشد. این بحث را بعدا ادامه می دهیم! برای انتخابات فدراسیون فوتبال بیش از ۸۴ نفر عضو مجمع هستند و هر کدام از این افراد که رای دهنده هستند دارای شخصیت مستقلی می باشند. یقینا یک نفر هر چقدر هم قوی و پولدار باشد با لابی کردن محال است بتواند رای اعضای مجمع را بگیرد مگر کارنامه داشته باشد. و بتواند با عملکرد خود نظر مجمع را جلب کند.

همین جا برای پایان دادن به اختلافات عهد کنیم هر شخصی که منتخب مجمع شد را حمایت کنیم تا فوتبال ایران به جایگاهی که شایسته اش هست برسد. یادمان باشد فوتبال برای مردم فراتر از یک ورزش است. ما همه عضوی از این خانواده بزرگ هستیم. با بزرگ نمایی برخی نقاط ضعف راه ورود افراد غیر متخصص را به فوتبال باز نکنیم. ما فضا را در اختیار فرصت طلبانی که برای بالا رفتن از دوش مردم از هر راهی وارد می شوند قرار ندهیم. اجازه ندهیم که هر غریبه ای به فوتبال بتازد. از بزرگان و اسطوره های فوتبال در برابر برخی هجمه ها دفاع کنیم دفاع به حق چرا که اینجا خانه ماست. با وجود تمام کاستی ها و اختلاف نظر ها ما با فوتبال زندگی می کنیم. منافع ملی خط قرمز من و رسانه ماست. هر شخصی برآورده نیازهای ملی فوتبال و منافع ملی باشد کمکش می کنیم و هر جا ضعفی ببینیم با تیر درشت تذکر خواهیم داد ولی آنها یکدیگر دنبال سهم خواهی هستند و فوتبال را راثیه خود می دانند نیز مراقب تیغ تیز انتقادات ما و وجدان های بیدار باید باشند.

این نیست که همه بد هستند و فقط ما خوبیم، نخیلا زمان این بز در روها هم دیگر گذشته است! فضای فوتبال را با دست خودمان گل آلود نکنیم تا دیگران از آن شاه ماهی صید کنند!



ایهامات مصوبه خصوصی سازی سازمان لیگ

چرا با این عجله؟!



محمد پورعلی

اینکه درآمدهای این سازمان قرار است به کدام حساب واریز شود! اینکه مسئولیت های مدنی این سازمان را چه کسی پاسخ گو خواهد بود! اینکه مزایده های آن چگونه برگزار خواهد شد و آیا همه همه اقشار متمول حق حضور در پر کردن برگه های مزایده را خواهند داشت یا نه؟ اینکه کدام فوتبالی و یا کدام فوتبالی ها می توانند سکان مدیریت سازمان لیگی را بر عهده بگیرند که همه چیز آن در حال حاضر مجهول است؟ اینکه نقش فدراسیونی ها در سازمان لیگ خصوصی فوتبال چگونه نقشی خواهد بود و سئوالات بسیار دیگری که باید هر چه زودتر به آنها پاسخ صریح داده شود، از جمله مواردی است که می تواند اجرای این مصوبه را به تاخیر یا ملغی نماید!

فوتبال خواهد بود، اما اینکه چرا دوستان در آستانه مجمع انتخاباتی فدراسیون فوتبال تصمیم به طرح چنین موضوعی گرفته اند، خودش یک علامت سوال بزرگ است! چرا که خصوصی سازی سازمانی که در دل فدراسیون فوتبال قرار دارد باید دلایل آن و نفعی که از کنار این خصوصی سازی عاید فوتبال و ورزش کشور می شود، کاملاً عیان گردد. چرا که بدون شک دوستان طراح چنین موضوعی خوب می دانند که اجرای چنین مصوبه ای نیاز به اساسنامه ای مدون دارد که برای مدیریت سازمان لیگ حد و حدود اختیارات مشخص کند، نه مثل امروز که فقط خصوصی سازی سازمان لیگ طرح موضوع و تصویب شده در حالیکه اصلاً شرح وظایف آن بر روی کاغذ نیامده است! اینکه این سازمان لیگ خصوصی قرار است چگونه به فوتبال کمک کند؟

در آخرین مجمع عمومی فدراسیون فوتبال که چندی پیش بصورت مجازی برگزار شد، دوستان با طرح موضوع خصوصی سازی سازمان لیگ توانستند رای لازم را از اعضای مجمع گرفته و آن را به تصویب برسانند. طرحی که از پایه و اساس می توانند با قوانین جاری و اساسنامه های موجود در ورزش ایران منافات هایی هم داشته باشد. چرا که خصوصی سازی لیگ مستلزم اصلاح اساسنامه فدراسیون

اداره فوتبال را به اهلش بسپارید؛

کار درست را که بلد نیستید، کنار رفتن را هم باید یادتان داد؟

یا به دلیل داشتن عملکرد غیر متعارف از تایید صلاحیت این طیف جلوگیری کنند. این دغدغه و دلمشغولی مردم و هواداران را تنها با نظارت و تصمیم شجاعانه می توان پایان داد و فضایی تازه برای اداره فوتبال گشود.

جوابیه ابتدایی فدراسیون در باره اظهارات دکتر وکیل و ایرادهای اساسی وی به اساسنامه و مجموعه اقدامات فدراسیون فوتبال، نشان داد این عده تا چه اندازه دچار آشفتگی شده و برای رهایی از



احمد میرزاییان

بن بست ایجاد شده چگونه به دنبال بهانه های واهی و اظهارات بی پایه و اساس هستند! صاحب این قلم سالها با روند برگزاری مجامع حساسی آشنا بوده و به جهت مسئولیت مستقیم در این وادی قرار داشته است. به همین جهت برگزاری مجمع مالی و حسابرسی فدراسیون فوتبال به صورت مجازی، را غیر باور، مبهم و سوال برانگیز می داند. همه می دانند تر نور مالی نهادهای سازمانها و بنگاه ها باید شفاف و با بررسی جمیع

جوانب و در یک دوره معین زمانی صورت گیرد. برگزاری مجمع مالی بدون اطلاع قبلی اعضا و در یک جلسه به صورت فرمالیته نشان از بی صاحبی فوتبال و عدم نظارت دقیق مسئولان ذی مدخل در این زمینه دارد. جالب اینکه در مجمع، سراسر ایراد ۲۵ آذر از جمع ۸۰ نفر رای دهنده هم ۳۶ نفر به عملکرد مالی فدراسیون رای منفی دادند!! دست بردن در اساسنامه فدراسیون و جایه جایی قوانین و مواد اساسنامه طوری چیده شده تا همه چیز به سود مسئول وقت و به زیان نامزدهای جدید باشد. این همه قدرت طلبی، شهرت طلبی و وابستگی به صندلی ریاست با ادعای خدمت در تضاد جدی است! افراد زیادی را می شناسیم که از قبول مسئولیت گریزان هستند، یا در بزننگاه ها افراد دیگر را شایسته تر از خود می دانند. اما در عجبیم که افراد حاضر برای بیرون راندن دیگران به اهرمی متوسل می شوند و به لطایف الحیل از هر ابزاری استفاده می کنند تا دیگر افراد قابل، شرایط حضور در صحنه را مساعد و عادلانه ندیده و از ثبت نام خودداری کنند. عملکرد پر ایراد آقایان شرایطی بوجود آورده تا هواداران و عاشقان واقعی ورزش و فوتبال با نگرانی به انتخابات پیش رو بنگرند. تأسف آور است نهادهایی که باید در بزننگاه ها ورود کنند یا با فساد و سو مدیریت مقابله کنند، سکوت اختیار کرده و از اجرای مسئولیت شانه خالی می کنند. از طرفی افرادی که به دلایل مختلف توانایی اداره مناصب را ندارند باید با شجاعت صحنه را خالی کرده و این پست خطیر را به فرد حاذق تر، تواناتر و برنامه دار تر بسپارند. شایسته نیست دیگران آدرس خروج را به آنها نشان داده



چه کسانی از بی نظمی در فوتبال سود می برند؟

زمان تسویه حساب نزدیک است!

علامت سوال بزرگ پیش روی جامعه فوتبال! استفاده ابزاری از اساسنامه تا کجا؟

اساسنامه ای که با استناد به یک بند آن، رئیس فدراسیونش را بر می دارند و بعد از برداشتن رئیس، آن بند را مازاد تشخیص داده و از اساسنامه حذف می کنند، قطعاً قابلیت این را دارد که دوستان هر کجا که بنفع شان باشد به آن استناد کنند و هر جا که بنا باشد کسی را از گردونه خارج کنند، این بهانه را بیاورند که این مورد در اساسنامه نیامده است، درست مثل اتفاقی که برای آقا معلم فوتبال، یعنی مجید جلالی رخ داد!

اساسنامه ای که یکسال پیش این اجازه را به فدراسیون می داد که بسراغ مجید جلالی برود اما امروز همان اساسنامه اجازه ادامه فعالیت را از مجید جلالی سلب می کند و این علامت سوال را برای علاقه مندان به فوتبال بوجود می آورد که این اساسنامه مگر چه قابلیت دارد که با آن می شود خیلی از کارها را در این فوتبال انجام داد؟ اساسنامه ای که امروز بدست ما هم رسید و قرار است ترجمه شود و در موارد مختلف به آن استناد گردد! اصلاً مگر می شود اساسنامه ای را نوشت و بعد از استفاده ابزاری از آن با گرفتن یک مجوز از مجمع یک بند آن را بسادگی هر چه تمام تر حذف کرد؟ اگر واقعا اساسنامه فدراسیون فوتبال این قابلیت را دارد که در هر شرایطی بنفع برخی از دوستان از آن استفاده شود و در بقیه موارد هم اصلاً انگار نه انگار که وجود دارد با آن برخورد شود، این دیگر نمی تواند نامش اساسنامه ای باشد که برای بالاترین مرجع فوتبال جهان یعنی FIFA ارسال شده است. بنابر این، لازم است که از این پس دوستانی که مانند مجید جلالی دعوت به همکاری با فدراسیون فوتبال می شوند قبل از شروع همکاری حتماً نسخه اصلی اساسنامه را بدست آورده و آن را خوب مطالعه کنند تا بعدها با مشکلی مانند همان مشکلی که گریبان مجید جلالی را گرفت دچار نشوند!

انتخابات ۱۱ اسفند و مطالبات جامعه فوتبال: آزمون بزرگ مسئولان در تایید صلاحیت ها!

اعضای، مصلحت اندیشی، توصیه پذیری و حمایت پشت صحنه از افراد خاص برای انتخابات ۱۱ اسفند ریاست فدراسیون فوتبال گتاهی ناخوشودنی است. این آزمون بزرگ پیش روی مسئولان قرار دارد، توقعات جامعه فوتبال را با مداخله جدی و خداپسندانه پاسخ دهید، نگاه جناحی و گروهی نباید در تایید صلاحیت ها دخالت داشته باشد. این تکلیف امروز بر دوش نهادهای ذیربط سنگینی می کند. باید پرونده افراد را بدرستی بررسی کرد. عملکرد گذشته نامزدها باید زیر ذره بین قرار گیرد. در نوشتار قبلی یاد آور شدیم، آنچه که باید مورد اهتمام همگان باشد، حفظ شان و جایگاه فوتبال ایران در کشور و در نهایت در عرصه بین المللی است. این جایگاه رفیع را نباید به افراد خاص گره بزنیم و دسته بندی خودی و غیر خودی را در جامعه ترویج کنیم. برخی در دوران تصدی خود در مسئولیت ها، مدیریت یک پارچه و منسجمی نداشته اند. برخی با رعایت غبطه و دلسوزی از بیت المال و حقوق جامعه محافظت و مراقبت نکرده اند. یک عده توانایی جسمی و فیزیکی برای اداره فوتبال کشور هم ندارند و...

بنابراین گرایش ها، قابلیت ها، توانایی ها، طراحي ها و برنامه افراد را باید بدرستی سنجید و رای به تایید یا عدم تایید صلاحیت ها داد. امتحان پس داده ها و آنان که عملکرد درستی در اداره فوتبال نداشته اند، علی الاصول نباید در این عرصه وارد یا تایید شوند. مقبولیت و محبوبیت فوتبال نزد مردم را با تایید این افراد به بیراهه نبرید. در انتخابات آنچه که باید مهم تلقی شود، اجرای عدالت و ایجاد محیطی برابر و یکسان برای حضور نامزدها است. در فضای نابرابر کنونی همه چیز مهندسی شده و ناعادلانه است. به گواه پرونده قطور و عملکرد نادرست افراد حاضر به صراحت باید گفت: شایسته نیست این راه غلط را مجدداً پیماییم و این رشته را به مدیران امتحان پس داده بسپاریم.



یعقوب سالکی نیا

فوتبال ایران مدت بسیار مدیدی است که از یک نوع بیماری مزمن، بنام بی مدیریتیت رنج می برد و چنین بنظر می رسد که تجویز پزشکان بظاهر خودی و غیر خودی هم در طول این مدت در درمان آن اثری نداشته است. البته در همه طول این مدت، آنهایی که بیرون از چرخه این فوتبال هستند، تلاش بسیاری را برای درمان آن داشته اند، اما نکته جالب توجه اینجاست که خود آنهایی که در چرخه این فوتبال بوده و هستند و باید بفکر درمان این بیماری باشند، هیچ پالس مثبتی در این باره از خود نشان نداده و نمی دهند، و این بیانگر این واقعیت است که سود خیلی ها در این فوتبال فشل در بی نظمی است! که متأسفانه بر آن اصرار هم دارند! همان دوستانی که از دل این بیماری بیرون نیامده، حالا باید در رقابتی بظاهر نابرابر هم شرکت کرده و برای ماندن اشتباه شان زمین و زمان را بر هم بدوزند! هم آنهایی که بدون شک اگر در خلوت خود، کلاه شان را قاضی کنند، قطعاً به این نتیجه خواهند رسید که بقای آنها در این شرایط، عایدی به جز ضرر برای این فوتبال نخواهد داشت. البته حرف و حدیث ها در باره ثبت نام افراد مختلف برای حضور در انتخابات فدراسیون فوتبال بسیار است. همان افرادی که بیشتر از اینکه بخواهند نقش مستقل داشته باشند، بعنوان کاندیدای پوششی خواهند آمد که بعد از انتخابات بتوانند سهم خواهی کرده و در این فوتبال مسئولیت بگیرند! همانهایی که در دوره قبل با استناد به یک بند از اساسنامه که بعداً آن را هم حذف کردند، رئیس وقت فدراسیون فوتبال را به بهانه های واهی برکنار تا نفر خودشان را به این فوتبال بیاورند، که متأسفانه موفق به انجام این کار هم شدند. اما حالا چنین بنظر می رسد که زمان تسویه حساب فرا رسیده است. پس منتظر اتفاقات جذاب روزهای آینده فوتبالی باشیم.

فضای انتخابات فدراسیون فوتبال را ملتهب نکنیم سایه بی عدالتی و بی اخلاقی را از فوتبال دور کنیم!

چرا برخی افراد از اتفاقاتی که در اطراف فوتبال و مجمع انتخاباتی آن رخ داده و یا قرار است که رخ بدهد، نگران و عصبانی هستند؟ اصلاً مگر می شود در فضایی که رقیب و منتقد وجود نداشته باشد، موفقیتی حاصل گردد؟ در تمامی مجمع انتخاباتی فدراسیون های ورزشی رویه ای وجود دارد که باید به آن احترام گذاشت. این امر طبیعی است که در همه انتخابات فدراسیون های ورزشی، عده ای طرفدار یک کاندیدای خاص باشند و عده ای هم، طرفدار کاندیدایی دیگر و هر کدام هم باید در چار چوب قانون و اخلاق از کاندیدای خود حمایت کنند، چرا که اگر غیر از این باشد، تنش و التهاب بر انتخابات سایه انداخته و مسیر را به بیراهه خواهد کشاند. اینکه هر کسی برای اثبات شایستگی کاندیدای مورد نظر خود، چوب بی عدالتی برداشته و به کاندیدای رقیب و طرفداران او بزند و انتظار بازخورد هم نداشته باشد، که اصلاً امکان پذیر نیست! اینکه فلان کاندیدا بیاید و یا اینکه نیاید، برای آنهایی که به موفقیت کاندیدای خود ایمان دارند، دیگر چه فرقی می کند؟ اینکه فلان کاندیدا بیاید و یا اینکه نیاید، برای آنها که کاندیدای مورد نظرشان در مصدر مسئولیت قرار داشته و اختیارات و ارتباطات تعریف شده ای با تمامی

اعضای مجمع دارند، چه خطری می تواند داشته باشد؟ ... البته اگر بخواهیم واقع گرایانه به برگزاری مجمع نگاه کنیم، باید بپذیریم که مجمع با حضور این افراد است که معنا و مفهوم پیدا می کند و گرنه هزینه کردن و آدم ها را دور هم جمع کردن برای مجمعی که تنها یک کاندیدا در آن شانس برنده شدن داشته باشد و بغیه هم در نقش پوششی و همراه، همان یک کاندیدای خاص ایفای نقش کنند که دیگر نامش مجمع انتخاباتی نیست! هر چند که جامعه فوتبال به تحقق این واقعیت اطمینان دارد که طی روزهای آینده اتفاقاتی در صحنه انتخابات فدراسیون فوتبال خواهد افتاد که خیلی ها را غافلگیر و به واژه رقابت معنایی درست خواهد بخشید!



مورد توجه کمیته های انتخاباتی فدراسیون فوتبال!



امیر ساعد وکیل

فوتبال خواهد افتاد که خیلی ها را غافلگیر و به واژه رقابت معنایی در دست خواهد بخشید!

واقعا در این فوتبال چه خبر است؟ اهمیت مجمع انتخاباتی ۱۱ اسفند و نقش تعیین کننده اعضای آن!

واقعا در این فوتبال چه خبر است؟ که متأسفانه اتفاقاتی دارد در آن می افتد که نظیر آن را تنها در همین فوتبال باید پیدا کنیم. قرار است ۱۱ اسفند ماه امسال مجمع انتخاباتی فدراسیون فوتبال برگزار و تمام آنهايي که در خود توان کمک به فوتبال را می بینند برای نشست بر روی صندلی ریاست ساختمان سئول شانس خود را بیازمایند. چیزی که تقریباً در همه جای جهان هم مرسوم است. اما متأسفانه بی اخلاقی ها از آنجا آغاز می شود که برخی از افراد برای آباد کردن کاندیدای مورد نظر خود، هیچ ابایی از خراب کردن رقبا و کاندیداهای دیگر نداشته و ندارند. آنها براحتی در مورد دیگران اظهار نظر کرده و همفکران خود را هم وارد بازی کرده و از نظرات آنها سوء استفاده می کنند، غافل از اینکه به آنها اعتقاد نداشته و وقتی هم که دیگر همه چیز تمام شد، خیلی راحت در صدد حذف آنها بر می آیند. و شدت این بی اخلاقی وقتی بیشتر می شود که برخی از کاندیداهای خودشان هم به این مسائل متوسل می شوند. به تخریب دوستان دیروز و امروزشان متوسل می شوند. برای مثال کاندیدایی که تا دیروز قرار بود با کاندیدای دیگری وارد کارزار انتخاباتی شود، به فاصله یک روز مسیرش را عوض کرده و بسراغ کاندیدای دیگری می رود و حرف هایی را به زبان می آورد که شنیدن آنها از زبان او جای تامل بسیار دارد. غافل از اینکه اعضای مجمع با دقت هر چه تمام تر این روزها مشغول رصد کردن مسائل انتخاباتی فدراسیون فوتبال هستند و به خوبی تشخیص می دهند که چه کسی برای کمک به فوتبال می خواهد بیاید و چه کسی یا کسانی می خواهند فوتبال را بهانه ای قرار داده و به خودشان کمک کنند و همین مسائل عیان باعث شده است تا اهمیت مجمع انتخاباتی ۱۱ اسفند و نقش تعیین کننده اعضای مجمع آن صد چندان شود!

ای که دستت می رسد کاری بکن! بذل و بخشش تأییدیه ها ممنوع!

یکی از مسائلی که این روزها پروسه برگزاری مجمع انتخاباتی فدراسیون فوتبال را تحت الشعاع خود قرار داده است، موضوع تأییدیه گرفتن کاندیداهای اعضای مجمع فدراسیون می باشد. اعضای که متأسفانه برخی از آنها نسبت به نقش خود بی تفاوت بوده و بیشتر، به جای اینکه به وظیفه ذاتی خود عمل کنند، برای خوشآیند این و آن کار اشتباهی را انجام می دهند که تاوان آن را نه خودشان، بلکه فوتبال باید بدهد. قانون انتخابات فدراسیون فوتبال بصراحت می گوید: کاندیداهای احرازپست ریاست فدراسیون باید پنج تأییدیه از اعضای مجمع اخذ نمایند و کاندیداهای نایب ریسی و عضویت

فدراسیون اتفاق بیافتد، با توجه به جایگاهی که هم اکنون در فدراسیون دارند و اعضای مجمع ممکن است بنا به ملاحظات ناگزیر شوند روی آنها را زمین نیندازند، مطالبه اخذ تأییدیه های اضافی می تواند مصداق سوء استفاده از موقعیت و زمینه ساز شائبه تعارض منافع باشد. چرا که در عمل، فردی در این موقعیت با اخذ تأییدیه های بیشتر می تواند مانع از تأییدیه گرفتن دیگر رقبا در همان پست شود و با محدود شدن زمینه حضور سایر رقبا، مسیر ورود خود را به هیأت رئیسه به طریق متخلفانه هموار کند. بنابراین از کمیته های انتخاباتی فدراسیون فوتبال انتظار می رود دستور دهند از ثبت تأییدیه های بیش از تعداد مقرر در مقررات خودداری شده و اعضای مجمع هم آگاه باشند که سهمیه های خود را برای پیشنهاد هر یک از پست های هیأت رئیسه هدر ندهند.

فضای انتخابات فدراسیون فوتبال را ملتهب نکنیم سپایه بی عدالتی و بی اخلاقی را از فوتبال دور کنیم

چرا برخی افراد از اتفاقاتی که در اطراف فوتبال و مجمع انتخاباتی آن رخ داده و یا قرار است که رخ بدهد، نگران و عصبانی هستند؟ اصلاً مگر می شود در فضایی که رقیب و منتقد وجود نداشته باشد، موفقیتی حاصل گردد؟ در تمامی مجامع انتخاباتی فدراسیون های ورزشی رویه ای وجود دارد که باید به آن احترام گذاشت. این امر طبیعی است که در همه انتخابات فدراسیون های ورزشی، عده ای طرفدار یک کاندیدای خاص باشند و عده ای هم، طرفدار کاندیدایی دیگر و هر کدام هم باید در چارچوب قانون و اخلاق از کاندیدای خود حمایت کنند، چرا که اگر غیر از این باشد، تنش و التهاب بر انتخابات سایه انداخته و مسیر را به بیراهه خواهد کشاند. اینکه هر کسی برای اثبات شایستگی کاندیدای مورد نظر خود، چوب بی عدالتی برداشته و به کاندیدای رقیب و طرفداران او بزند و انتظار باز خورد هم نداشته باشد، که اصلاً امکان پذیر نیست! اینکه فلان کاندیدا بیاید و یا اینکه نیاید، برای آنهايي که به موفقیت کاندیدای خود ایمان دارند، دیگر چه فرقی می کند؟ اینکه فلان کاندیدا بیاید و یا اینکه نیاید، برای آنها که کاندیدای مورد نظرشان در مصدر مسئولیت قرار داشته و اختیارات و ارتباطات تعریف شده ای با تمامی اعضای مجمع دارند، چه خطری می تواند داشته باشد؟ البته اگر بخواهیم واقع گرایانه به برگزاری مجمع نگاه کنیم، باید بپذیریم که مجمع با حضور این افراد است که معنا و مفهوم پیدا می کند و گرنه هزینه کردن و آدم ها را دور هم جمع کردن برای مجمعی که تنها یک کاندیدا در آن شانس برنده شدن داشته باشد و بقیه هم در نقش پوششی و همراه، همان یک کاندیدای خاص ایفای نقش کنند که دیگر نامش مجمع انتخاباتی نیست! هر چند که جامعه فوتبال به تحقق این واقعیت اطمینان دارد که طی روزهای آینده اتفاقاتی در صحنه انتخابات فدراسیون

اعضای محترم کمیته های انتخاباتی بخوبی می دانند که مطابق ماده ۲ مقررات انتخاباتی فدراسیون فوتبال، تعهد اجتناب از شرایط تعارض منافع و شفافیت در کل فرایند انتخابات باید اجرا شود و ماده ۳ این مقررات اعضای کمیته های انتخاباتی را موظف به نظارت بر فرایند انتخابات نموده تا این فرایند بر اساس مقررات مرتبط در اساسنامه و مقررات انتخاباتی پیموده شود. خبرها حکایت از آن دارد که برخی کاندیداهای در پست های ریاست، نواب رئیس و سایر اعضای هیأت رئیسه دنبال آن هستند تا هر چه می توانند تعداد تأییدیه های بیشتری از اعضای مجمع بگیرند تا ضمن قدرت نمایی برای سایر رقبا و مقبول جلوه دادن بیشتر خود، به تعبیری برای سایر رقبا در همین مرحله اولیه ثبت نام، کمری خوانی کنند. این در حالی است که ماده ۱۱ مقررات انتخاباتی به هر یک از اعضای مجمع فقط اجازه می دهد که برای پست ریاست و نواب رئیس، یک نفر، برای پست هیأت رئیسه بعنوان نماینده هیأت های استانی، دو نفر، برای پست هیأت رئیسه بعنوان نماینده مدیران عامل باشگاه ها دو نفر و برای سه پست کارشناس هیأت رئیسه فقط سه نفر را پیشنهاد کنند. به عبارت دیگر، اعضای مجمع برای تأییدیه هایی که در سامانه می توانند ثبت کنند سهمیه محدود دارند و اگر هر یک از کاندیداهای در هر یک از پست های هیأت رئیسه اقدام به دریافت تأییدیه بیش از حد نصاب مقرر در مقررات نمایند زمینه مشارکت دیگر افراد برای رقابت در پست های هیأت رئیسه محدود می شود و امکان دریافت تأییدیه از اعضای مجمع برایشان سخت تر می شود و عملاً امکان شرکت در انتخابات را از دست می دهند. فرض کنید یک نامزد ریاست فدراسیون در حالی که کافی است فقط ۵ تأییدیه داشته باشد از ۵۰ عضو مجمع تأییدیه بگیرد، در نتیجه با توجه به اینکه تعدادی از اعضای مجمع مانند کاپیتان ها، داورها و حتی تیم های برتر لیگ دسته یک وضعیت مشخصی ندارند که تا آخرین لحظه کدام در مجمع دارای حق رأی خواهند بود، پس از یک طرف، حدود ۵۰ عضو مجمع، سهمیه خود برای پیشنهاد نامزد ریاست را سوزانده اند و از طرف دیگر امکان حضور سایر کاندیداهای ریاست در فدراسیون به حداقل می رسد چون اخذ تأییدیه از حدود ۲۰ عضو باقیمانده دیگر مجمع، در مثالی که زدیم کاری به مراتب سخت تر می شود. این قطعاً آسیب به جنبه دموکراتیک بودن انتخابات خواهد زد. علاوه بر این چنانچه اقدام به دریافت تأییدیه های پرشمار از کاندیداهای هر یک از پست های هیأت رئیسه از سوی مدیران کنونی

در هیات رئیسه هم هر کدام به ۲ تأییدیه نیاز دارند که بر اساس این معادله هر عضو مجمع با تصویب کمیته انتخابات می تواند تنها به یک نفر بابت ریاست، یک نفر بابت نایب رئیسی اول، یک نفر نایب رئیسی دوم و یک نفر نایب رئیسی بانوان، دو نفر نماینده هیات ها جهت عضویت در هیات رئیسه، دو نفر مدیران عامل جهت هیات رئیسه و به سه کارشناس تأییدیه بدهند. نه بیشتر! اما اینکه چرا یک کاندیدا با نزدیک به بیست تأییدیه وارد کارزار رقابت می شود، سوالی است که برخی از دوستان مجمع فدراسیون فوتبال

باید پاسخگوی آن باشند. برای مثال وقتی یک کاندیدا با چندین برابر تعداد تأییدیه مجاز در انتخابات شرکت می کند تا به تعبیر خودش بگوید که از اقبال بیشتری برای احراز پست ریاست برخوردار است، در حقیقت دارد جا را برای افراد شایسته دیگری که خواهان حضور در این انتخابات هستند تنگ می کند. چرا که وقتی تعداد این تأییدیه ها به یک کاندیدا زیاد شود در حقیقت بمعنای این است که آن عضو مجمع از سهمیه خود استفاده کرده و بدلیل محدودیت نمی تواند به کاندیدایی دیگر تأییدیه بدهد و این عین ناعدالتی است و با شعار برگزاری

انتخابات سالم منافات دارد. اتفاقی که قطعاً تمامی مدیران فوتبالی امروز هم نمی خواهند که رخ دهد. که اگر اینگونه باشد، دوستان در کمیته انتخابات فدراسیون فوتبال باید در اولین فرصت ممکن با صدور دستورالعملی صراحتاً اعلام نمایند که تمامی تأییدیه های اضافه به یک کاندیدا باطل است و با این کار خوب خود با انحصار گرایی مقابله کنند. کاری که سبب خواهد شد تا فضای رقابت برای تعداد بیشتری از کاندیداها مهیا شده و آنها نیز بنوعی بتوانند شانس خود را جهت حضور در انتخابات فدراسیون فوتبال بیآزمایند.

در این فوتبال خیلی ها از همدیگر «آتو» دارند!



امیر رضا واعظی آشتیانی

مشکل اساسی این است، افرادی که در راس ورزش قرار گرفته اند اطلاعاتی از حوزه مسئولیت خود ندارند. آن روز، حرف ما این بود، کسی که حکم محکومیت دارد نمی تواند کاندیدای فدراسیون شود. در هیچ کجای دنیا اجازه نمی دهند فرد متخلف در راس فدراسیونی باشد. وقتی مسئولین ورزش اراده کافی ندارند و متغیر بر خورد می کنند هیات ها هم با رای نادرست خود اساس انتخابات و پرچم و کیان کشور را زیر سؤال می برند.

متأسفانه امروز آقایان در ورزش پرسش ها را خوب جواب می دهند ولی بلد نیستند مسائل را حل کنند چون قادر به ایجاد تحول نیستند. شما نگاه کنید به اوضاع فرهنگی ورزش نه تنها پیشرفت نکرده ایم بلکه پسرفت هم داشته ایم. مدیری که نسبت به امور فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اشراف نداشته باشد قافیه را باخته است. وقتی به لمپنیسم مجال ظهور داده شد باید فاتحه ورزش را خواند. هرگاه ارزش ها عوض

شد، عوضی ها ارزش پیدا می کنند. شاید خیلی ها در ورزش مشهور باشند اما محبوب نیستند. در جهان امروز ورزش را نماد موفقیت کشورها می دانند اما ما روی این موضوع حساب استراتژیک باز نکرده ایم و هنوز مثل پنجاه سال پیش می اندیشیم. اگر مسیر ورزش درست طی شده بود ما امروز شاهد حضور دلالتی و فساد در ورزش نبودیم. شرایط امروز فوتبال هم نشأت گرفته از فضای کلی ورزش است. اینکه چرا افراد توانمند وارد عرصه انتخابات فوتبال نمی شوند به دلیل فضایی است که ترسیم شده.

اعلام می کنند کاندیداها باید چهار سال سابقه مدیریت داشته باشند وقتی فردی از این ویژگی برخوردار بود گرفتن پنج تأییدیه از روسای هیات ها دیگر هیچ معنایی ندارد جز اینکه رئیس فدراسیون را وامدار آنها کند.

متأسفانه در این فوتبال خیلی ها از همدیگر آتو دارند. این درست که ما در عرصه ورزش آدم خوب می خواهیم اما این آدم خوب باید عرضه و اقتدار هم داشته باشد. وقتی مسئولین ورزش منفعل باشند روسای فدراسیون ها هم خودمختاری پیشه می کنند. برخی از روسای فدراسیون ها کار را به جایی رسانده اند که با اساسنامه من در آوردی ورزش کشور را به چالش کشیدند اما مسئولین ورزش با آنها مماشات کردند و هنوز هم این

وضعیت ادامه دارد. خیلی از روسای فدراسیون های ما نسبت به شرح وظایف خود علم و اطلاع کافی ندارند آنها گمان می کنند باید در کلیه امور فنی و اجرایی دخالت کنند در صورتی که این موارد به عهده دبیر کل فدراسیون ها است. وظیفه رئیس فدراسیون تامین منابع، ایجاد ارتباطات و ترسیم سیاست های کلی فدراسیون است. اتخاذ استراتژی کلی ورزش به عهده دستگاه ورزش است اما متأسفانه این دستگاه، استراتژی روشنی ندارد. در ورزش ما باب شده که می گویند اگر حق پخش تلویزیونی داده شود باشگاهها هیچ مشکل مالی نخواهند داشت این در حالی است که برخلاف تصور، هیچ جای دنیا مبلغ حق پخش تلویزیونی با هزینه باشگاهها برابر نیست. به عبارت دیگر پرداخت حق پخش که بزرگترین باشگاههای دنیا می گیرند رقم ناچیزی از هزینه های آنها را تامین می کند اما ما در ایران سال هاست بر سر حق پخش با مسئولین رسانه ملی کشمکش داریم. در هر حال جهت برون رفت از وضعیت کنونی در کل ورزش و فوتبال نیاز به پوست اندازی داریم تا زمانی که این دگرگونی و پوست اندازی انجام نشود و افراد توانمند، کار بلد و سالم جای چهره های ناتوان و مشاوریین عالی غیر متخصص را نگیرند امید چندانی به بهبود اوضاع وجود ندارد.



رئیس فدراسیون بدمینتون در نشست با اصحاب رسانه اعلام کرد

وزیر ورزش نگاه ویژه‌ای به برگزاری رقابت‌های فجر دارند

آن ورزشکاران نامی جهان شرکت خواهند داشت. پوریا گفت: کشورهای چین تایپه، اوگاندا، بلغارستان، کانادا، هند، امارات، مالزی، جمهوری آذربایجان، اندونزی، قزاقستان، ایتالیا، ترکیه، عراق، سوئیس و ایران برای حضور در مسابقات اعلام آمادگی کرده‌اند. تیم‌هایی که برای انصراف از مسابقات تنها تا دوم بهمن ماه فرصت خواهند داشت. پوریا در ادامه افزود: مسابقات سریز جوانان نیز با حضور کشورهای

چین تایپه، اوگاندا، افغانستان، جمهوری آذربایجان، هند، قزاقستان و ایران برگزار خواهد شد. مسابقاتی که زمان برگزاری آن ۴ لغایت ۷ بهمن و به میزبانی سمنان تعیین شده است و امیدواریم که بتوانیم میزبان شایسته‌ی برای این رقابت‌ها باشیم.

رئیس فدراسیون بدمینتون ضمن تقدیر از وزیر ورزش و جوانان در مسیر حمایت از ورزش بدمینتون گفت: احمد دنیامالی وزیر ورزش و جوانان نظر و حمایت‌های لازم را برای این رویداد بزرگ بین‌المللی از فدراسیون نموده و ما



محمد رضا پوریا با بیان اینکه پایه‌گذاری مسابقات فجر به همراه آقای کرباسیان و آقای عالمی از پیشکسوتان و روسای سابق بنا نهاده شده است، افزود: فدراسیون بدمینتون این مسابقات را همه ساله و همزمان با جشن‌های پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه برگزار می‌نماید. پوریا در ادامه گفت: ما در طول ۱۵ سال اول مسابقات از تیم‌های خارجی دعوت و تمامی امکانات شامل هتل و پذیرایی را برایشان فراهم می‌کردیم، اما بعد از ۱۵ سال که مسابقات هر با نظم خاصی برگزار شد فدراسیون آسیایی و جهانی مسابقات فجر را دارای امتیاز و رنک نمود که در حال حاضر مسابقات دارای ۱۷۵۰۰ دلار جایزه و دارای رنک جهانی است و تمامی هزینه‌های تیم‌های خارجی از هتل تا هزینه‌های پذیرایی به عهده خودشان می‌باشد و این تیم‌ها هر ساله در مسابقات بین‌المللی فجر حضور پررنگی دارند.

رئیس فدراسیون بدمینتون در ادامه گفت: سی و سومین دوره رقابت‌های بین‌المللی چلنج فجر طی روزهای ۹ لغایت ۱۴ بهمن ماه در سمنان و با حضور ۱۷ کشور برگزار خواهد شد و در

نیز می‌خواهیم که اتفاق‌های خوبی را در این رشته رقم زده و پاسخ اعتماد ایشان را بدهیم.

رئیس فدراسیون بدمینتون در نشست با اصحاب رسانه اعلام کرد

بازدید مشاور معاون

توسعه ورزش بانوان از اردوی تیم ملی بدمینتون



مشاور معاون توسعه ورزش بانوان در محل برپایی اردوی آماده‌سازی تیم ملی بدمینتون بانوان که به منظور آماده‌سازی مسابقات بین‌المللی چلنج فجر در حال برگزاری است، حضور یافت.

زهره مرزوقی در حاشیه این دیدار با محمدرضا پوریا رئیس و مددی نایب رئیس بانوان فدراسیون بدمینتون دیدار و در خصوص شرایط اردوی آماده‌سازی به تبادل نظر پرداختند.

وی همچنین در جمع ملی پوشان حاضر در این اردو حضور یافت و در خصوص شرایط اردو با بازیکنان گفت و گو کرد. لازم به توضیح است، اردوی تیم ملی بدمینتون از پانزدهم دی ماه آغاز و تا بیست و هشتم همین ماه ادامه خواهد یافت. این اردو هم‌اکنون در محل سالن اختصاصی فدراسیون بدمینتون در حال برگزاری است.

تیشه‌گران سرپرست فدراسیون اسکی و ورزش‌های زمستانی شد



داوطلب، علاوه بر انجام امور جاری فدراسیون در اسرع وقت نسبت به برگزاری مجمع انتخابات رییس و سایر اعضای هیأت رئیسه فدراسیون اقدام کند.» ریاست فدراسیون ورزش ناسنویان آخرین سمت تیشه‌گران به عنوان رییس فدراسیون بوده است.

وزیر ورزش و جوانان طی حکمی مهران تیشه‌گران را به عنوان سرپرست فدراسیون اسکی و ورزش‌های زمستانی منصوب کرد. در این حکم، وزیر ورزش و جوانان از تیشه‌گران خواسته است «ضمن رعایت اصل بی طرفی، عدالت محوری و عدم حضور در فرایند انتخابات به عنوان

حسین ماهوت فروش تحت عمل جراحی قرار گرفت



مرخص شد. امیدواریم وضعیت جسمانی حسین ماهوت فروش عکاس باخلاق و تلاشگر مطبوعات هر چه سریعتر بهبود یافته و دوباره حضور او را در میادین ورزشی داشته باشیم.

حسین ماهوت فروش یکی از عکاسان خوش ذوق، زحمتکش و بی ربا ورزش کشور که چند مدتی است بدلیل عارضه مغزی در بیمارستان فیروزگر بستری بود، چندی پیش تحت عمل جراحی قرار گرفت و دیروز هم از بیمارستان

مدیر ارشد کنفدراسیون بدمینتون آسیا به ایران می‌آید



میهمان افتخاری مسابقات، روز ۱۱ بهمن ماه به ایران خواهد آمد تا از نزدیک شاهد برگزاری سی و سومین دوره رقابت‌های چلنج بدمینتون بین‌المللی فجر ایران ۲۰۲۵ در شهرستان سمنان باشد. این برای سومین بار است که چوی ونگ شنگ برای حضور در رقابت‌های بین‌المللی فجر به ایران می‌آید.

چوی ونگ شنگ مدیر ارشد کنفدراسیون بدمینتون آسیا از مالزی در ایام برگزاری سی و سومین دوره مسابقات چلنج بدمینتون بین‌المللی فجر ایران ۲۰۲۵ که طی روزهای ۹ لغایت ۱۴ بهمن ماه در شهرستان سمنان برگزار خواهد شد به ایران سفر خواهد کرد. چوی ونگ شنگ به عنوان نماینده بدمینتون آسیا و

رئیس هیأت کشتی استان تهران

علی عسگری: اله‌یاری از حامیان همیشگی کشتی است



ورزش کشتی در شهر رباط‌کریم فراهم کرده، است.

و مجموعه تخصصی در شهر داشته باشیم و شهرداری امروز پای کار ورزش است و در کنار یکدیگر کمک می‌کنیم تا ورزش کشتی به عنوان ورزش اول کشور در شهرستان پیشرفت و توسعه پیدا کند. علی عسگری رئیس هیأت کشتی استان تهران نیز با اشاره به اقدامات مثبت و سازنده صورت گرفته در خصوص توسعه کشتی در رباط‌کریم، بیان داشت: حمید رضا اله‌یاری جزو نخبه‌های ورزشی استان بوده و در هر جایگاهی نیز برای ورزش اقدامات خوبی انجام داده و امروز فضای بسیار مطلوبی را در حمایت از ورزش در ابعاد مختلف به ویژه

نشست هم‌اندیشی هیأت کشتی شهرستان رباط‌کریم با حضور حمید رضا اله‌یاری شهردار، آقایان قاسملو، اینانلو و قاسملو اعضای شورای اسلامی شهر، علی عسگری رئیس هیأت کشتی استان تهران، نباتی رئیس اداره ورزش و جوانان، رئیس هیأت کشتی شهرستان و سایر اعضا به میزبانی شهرداری رباط‌کریم برگزار شد. اله‌یاری در این نشست با اشاره به توجه ویژه شهرداری و شورای اسلامی رباط‌کریم نسبت به مقوله ورزش طی بیش از یک سال اخیر، گفت: نگاه مدیریت شهری این است که در هر رشته ورزشی به ویژه رشته‌های پرطرفدار یک سالن



بهمن صالح نیا، پدر مهربان ملوان و اسطوره‌ای از جنس شرافت



شروین طاهرک

موی سپید که پشتش به من بود سرکوفت می زند. به گیلکی غلیظ و عصبی فریاد می زد و مدام یک دسته بلیت را جلوی پیر مرد محترم که از او رشیدتر بود اما با شرمندگی سر خم کرده بود، تکان می داد. فحواى حرفش این بود که «شرکت اتوبوسرانی ما دیگر به شما بلیت نسپه نمی دهد. حسابهای قبلی تان هنوز صاف نشده.» اما جایی گوش های من و معدود آدمهای سر در لاک فرو برده داخل سالن تیز شد که مردک داد زد: «ملوانید که باشید! پول ندارید بازی نکنید!» حالا دیگر مساله کاملا تغییر کرده بود. پیرمرد محترم سر خم کرده نسبتی با قوی سفید انزلی داشت؛ نماد پر افتخار فوتبال یک شهر و یک استان و حتی بیش از آن نماینده بخشی از ملت ایران و نماد نیروی دریایی ایران. پیرمرد از این وضع کاملاً خجلت زده بود و با صدای آرام سعی داشت مردک باجه دار را آرام کند. کاملاً پیدا بود که دارد آبرو داری می کند. گوش که تیز تر کردم فهمیدم که می گویند تیم ملوان باید خودش را از انزلی به کرمان برساند. با خودم گفتم، چه بلایی بر سر ملوان آمده که مجبور است این مسافت شاید بیست ساعته را روز قبل از مسابقه با اتوبوس طی کند؟ و تازه بودجه همین سفر جاده ای را با اتوبوس تعاونی و نه اختصاصی ندارد؟ شکی نبود که قوی سفید مغرور و زیبای انزلی سخت ترین روزهایش را می گذرانید. فکر کنم آن فصل تا پای سقوط به لیگ دو هم رفتند. داشتیم به عمق فلاکتی که باشگاهی چنان مهم و پر افتخار به آن دچار شده فکر می کردم که پیرمرد

با دیدن حال و روز بهمن خان صالح نیا نتوانستم جلوی گریه ام را بگیرم. این مرد بزرگ که به حق لقب «پدر ملوان» را یدک می کشد، حقیقتاً چه پدر مهربان، فداکار و شریفی بود برای قوی سفید انزلی. اغلب اهالی فوتبال و رسانه تصویری مغرور و محبوب از بهمن خان در مخیله دارند هر چند که او پشت اخم مردانه اش هم عطوفت عجیبی داشت که در ورزش و حتی جامعه ما کم نظیر بود. تا آن روز صبح زمستان سرد و بارانی سال اول کرونا، من هم تصویری کلیشه ای از او برای خودم ساخته بودم. یک پیشکسوت فوتبال که حالا مدیر باشگاه شهرش شده تا از مواهب فوتبال حرفه ای پر پول و پر اعتبار بهره مند شود. آن روز اما در کمرکش همان دوره سیاه شش ساله که ملوان بندر انزلی در لیگ آزادگان اسیر شده بود، اسطوره ای دیدم کاملاً متفاوت از اسطوره های مادی و پوشالی فوتبالمان. یک مرد عاشق اما سرشکسته و شرمند. برای کار اداری صبح زود به انزلی رسیده بودم و در همان سالن ترمینال محقر مدورش نشسته بودم تا اداره مربوطه باز شود. یکدفعه از گوشه سالن صدای داد و بیداد باجه دار یکی از تعاونی ها زیر سقف ترمینال پیچید. دیدم یک مرد خپل دارد بر سر مرد دیگری با کاپشن تیره و

محترم بالاخره بعد از تضمین تلفنی دادن به احتمالاً مدیر تعاونی مزبور، سرش را از پنجره باجه در آورد و سر چرخاند. نگاهی دور سالن انداخت تا مبادا کسی حال و روز بغرنج نداری او و ملوان را دیده باشد. لازم نبود کاملاً رخ به رخ شویم تا از همان نیم رخ شمالی نجیبش، بهمن صالح نیا را بشناسم. طوری از تعجب مثل برق گرفته ها روی نیمکت پلاستیکی ترمینال به جلو جهیدم که حرکت ناگهانی ام توجه او را هم جلب کرد. یک آن چشم در چشم شدیم. نگاهش را که مغموم و مستاصل بود بلافاصله دزدید و پایین انداخت. همان جور سر خم کرده منتظر صدور بلیت های تیمش ماند. این حالت سرشکستگی بهمن خان حالم را بدتر کرد. از چند نفر حاضر در سالن فقط دو سه نفر آقا بودند که آنها هم بومی به نظر نمی رسیدند. ظاهراً هیچ کس غیر از من هنوز صالح نیا بزرگ را در آن وضعیت بغرنج به جا نیاورده بود. از یک جهت از این بابت خوشحال بودم و از جهت دیگر، تنهایی او در آن گرگ و میش صبح دلگیر انزلی و وسط ترمینال و سر کج کرده جلوی غیر، فقط برای این که پرچم ملوان، که خواه ناخواه پرچم نیروی بحری مملکت هم هست، برای یک هفته بیشتر در اهتزاز باشد، مرا کاملاً بهم ریخته بود. بدتر از آن، مردی که خود را در چنین موقعیت سرافکننده ای قرار داده بود، اسطوره و فراتر از آن پدر همان باشگاه بود که هویتش با هویت یک بخش از ایران گره خورده و حتی مربی تیم ملی بوده است. تا چند دقیقه بعد که بهمن خان با همه مردانگی اش، در نهایت آبروداری، مثل عاشق ترین پدر دنیا، بی سر و صدا بلیت ها را گرفت و برای ملحق شدن به بچه های ملوان در یک سفر سخت، در خروجی انتهای سالن در تاریک و روشن سحرگاهی گم شد، من مات و میبوت این اسطوره شرافت مانده بودم.

تازه بعدتر طوفان ذهنی به سراغم آمد؛ مگر باشگاه ملوان انزلی، نمی توانست یک کارمند یا تدارکاتچی برای گرفتن بلیت اتوبوس بفرستد؟ یا این که اگر الان یک هوادار ملوان، حتی غیر انزلی چی شاهد این صحنه بود، چطور این بی حرمتی به تیم پرافتخارش را تحمل می کرد؟ آیا اصلاً این فوتبال آماتوری است یا حرفه ای؟ آیا این زمانه شریف ترین الگوهای اجتماعی ما را محکوم به تحقیر شدن کرده است؟ و ده ها پرسش دیگر ... دیشب با دیدن این پست اینستاگرامی از بهمن خان در بستر احتضار به طرزی عجیب برگشتم به آن صبح دلگیر انزلی. هر چند جای شکر دارد که وضعیت ملوان از هر جهت نسبت به آن روز رشد پیدا کرده. در ستون اخبار ورزشی خواندم که ملوان فردا با الامارات در دومی دیدار دوستانه دارد. ملوانی که حالا دو فصلی می شود با اسپانسر متمول، به لیگ برتر برگشته. تیم حالا در لیگ برتر ثبات خوبی دارد و با تکیه به استعداد ورزشی جامعه گیلان، آینده اش روشن است. اما شاید برای فهمیم ترین هواداران فوتبال ایران در سن سیروس، روزگار سپری شده شان در کنار اسطوره ای شریف مثل بهمن صالح نیا بسیار روشن تر و دست نیافتنی تر باشد. گویی او هم نوا با قوهای بی مانند تالاب، آخرین آواز را سر می دهد.

پنجاه و هفتمین سالمرگ جهان پهلوان تختی

جوانمردی که دیگر تکرار نشد!



سید مهدک فاطمی

کنند. در حالی که شصت سال پیش قهرمانی بود که پست مهم شهرداری تهران و وکالت مجلس را هم رد کرد. قهرمانی که به بالا ترین پیشنهادهای فیلم سازان نه گفت اما برای حل مشکلات مردم پله های ادارات و سازمان ها را بالا و پایین رفته و اتاق به اتاق مقابل متصدیان امر، کرنش می کرد تا بلکه گره ای از کار گرفتاری گشوده شود. او مدیر برنامه نداشت تا برای جمع آوری هدایا و امتیازات اعطایی دسیسه چینی کند. یکی بود شبیه همه مردم. یکی که مرگ هم نتوانست میان او ودلیستگی هایش جدایی اندازد. یکی که پیش از زمینی شدن ما، آسمانی شده اما هرگز رنگ پیری و کهنه گی به خود نگرفته است. تصویر نقش بسته در ذهن ما از جهان پهلوان تا سالها و قرن ها بعد هم در چشم و دل مردمان باقی خواهد ماند اما شاید سالها بعد کسی یادی از آن قهرمان معاصر که روزی سنگین ترین وزنه های دنیا را به آسمان می برد نکند. پنجاه و هفتمین سال روز جاودانگی ات مبارک جهان پهلوان!

هفدهم دیماه ۱۳۴۶ روز مهمی در تقویم ورزش، پهلوانی و جوانمردی ایران است. روزی که سرآمد نامداران و پهلوانان آن روز های ایران و یکی از اساطیر تاریخ این سرزمین، چشم از دنیا و همه تلخ و شیرین هایش بسته و به جاودانگی سلام کرد. تختی رفت اما نه سردی خاک او را از یاد ها برد و نه سیاست های متفاوت و متناقض حکومت ها، نامش را از خاطر دوست دارانش زدود. از جهان پهلوان تختی بسیار گفته و نوشته اند. فیلم های بلند و کوتاه و شعر و قصه های حماسی و صدا ها خاطره واقعی و یا ساختگی برایش نقل شده و صدا ها استادبوم و سالن و کوچه و میدان و خیابان که به نامش مزین شده اما دریغ که با تمام این تفصیل نزدیک به شصت سال است که راه او بی رهرو مانده و نو خاسته ای نبوده تا قد برافراشته، کمر بند همت بسته تا در مسیر واقعی او قدم بگذارد چرخ گردون برای پهلوانان قبل و بعد از تختی به گونه ای گردیده است که کمتر شباهتی به جز یال و کوپال ورزشکاری با او داشته باشند. قهرمانانی که دنیا را همواره از زاویه دید خود نگریسته و اعتبارشان را به امتیازات فروخته اند! قهرمانان معاصر اگر چه صداها بلکه هزاران بار بیشتر از تختی و همدوره های او فرصت دیده شدن داشته اند اما آنچه آیندگان از آنها خواهند دانست بسیار متفاوت از درکی است که نسل امروز از جهان پهلوان تختی دارد. جهان پهلوانان امروز یا بر سر میز ریاست و پست و منصب با یکدیگر در ستیز و جدل هستند، یا در صفحات مجازی سرگرم خود نمایی و جذب دنبال کننده شده اند. ورزشکاران مدال آوری که بهای قهرمانی هایشان را با جوایز نفیس و سکه و ملک و ماشین گرفته و برای سفیر برند کمپانی های اقتصادی شدن مبالغ میلیاردری دریافت می

ژیمناست آینده سازی که به مدال المپیک می اندیشد عرفان صفری: دوست دارم تاریخ سازی کنم!



خاطر نشان کرد: هدف اصلی من صرفاً حضور در المپیک نیست بلکه امیدوارم بتوانم در این میدان بزرگ به مدال برسیم و تاریخ سازی کنم. هر چند شش وسیله کار می کنم اما در دو وسیله زمینی و پرش خرک وضعیت خیلی خوبی دارم و توانستم با ارائه نمایش قابل قبول به اردوی تیم ملی دعوت شوم. به لطف خدا تلاش می کنم در جمع اردو نشینان هم کم کاری نکنم و جزو بهترین ها باشم تا مسیر دستیابی به موفقیت آسان شود.

منصور راضی نژاد مربی شاخص و زحمتکش تهرانی که سالهاست علی رغم مدیریت سالن ژیمناستیک شهید قیانوری تهران در کسوت مربیگری نیز فعالیت می کند از عرفان صفری به عنوان یکی از پدیده های آینده ژیمناستیک کشور یاد می کند و می گوید: امید و انتظار ما از ژیمناست هایی که در سالن شهید قیانوری تمرین می کنند و زحمت می کشند این است که این عزیزان بتوانند در آینده در مسیر قهرمانی گام بردارند. عرفان یکی از همین ورزشکاران است که انصافاً نشان داده می تواند در آینده نه چندان دور جا پای بزرگان این رشته بگذارد. وی هم اکنون در زمینی و پرش خرک، حرکاتی را به نمایش می گذارد که خیلی ها از عهده انجام آن بر نمی آیند. البته او شش وسیله کار می کند و ما امید داریم در آینده بتواند در مجموع به موفقیت هایی برسد. عرفان هیجده سال دارد و کوتاه زمانی است که در جمع بزرگسالان حضور پیدا کرده و ما امیدواریم در آینده حرف های زیادی برای گفتن داشته باشد. البته ما ژیمناست های خوب و توانمند دیگری چون محمد شفیع، علیرضا عرب، امیر محمد گل سرخی، مهدی مقدسی و رضا بهلول زاده را هم داریم که در کنار عرفان صفری جمعی از ژیمناست های خوب تهرانی را تشکیل می دهند. آنها باید تلاش کنند در کنار دیگر مدعیان تهرانی و ورزشکارانی که در شهرها و استان های دیگر برای رسیدن به تیم ملی و کسب موفقیت زحمت می کشند بنیان ژیمناستیک ایران را مستحکم کنند.

عرفان صفری اگر چه تنها ۱۸ سال دارد اما به گفته خودش نزدیک به چهارده سال است ژیمناستیک کار می کند. وی طی گفت و گویی کوتاه با خبرنگار وقت طلایی در همین رابطه اظهار داشت: خاله ام مربی ژیمناستیک است و از چهار سالگی حرکات ابتدایی این ورزش را به من آموزش داد. بعداً یعنی از ۵ سالگی اسمم را در باشگاه شهید قیانوری ثبت نام کردند و ورزش را رسماً زیر نظر شادروان هوشنگ راضی نژاد پی گرفتم. سال ها پدر و مادرم مسیر یاخچی آباد تا باشگاه قیانوری را با من می آمدند و تا پایان تمرینات و بازگشت به خانه همانجامی نشستند. رفته رفته توانستم در ژیمناستیک خودی نشان دهم و مورد توجه قرار گیرم. متأسفانه چند سال پیش مربی اصلی ام هوشنگ راضی نژاد ناباورانه از میان مارفت و بعد از این اتفاق تأثر انگیز و شوک آور، تمرینات را زیر نظر استاد منصور راضی نژاد ادامه دادم. وی در رابطه با روزها و ساعات تمرینات خود گفت: هر روز از ساعت شش بعد از ظهر تا ده شب تمرین و بعد از آن بدنسازی انجام می دهم. نزدیک به چهارده سال است که بطور مداوم تمرین می کنم طبیعی است سال های اول با شدت کنونی تمرین نمی کردم اما بعدها که علاقه مندی بیشتری به ژیمناستیک پیدا کردم و مورد توجه مربی ام قرار گرفتم تلاش هایم دوچندان شد. همه می دانند پی گیری تمرینات مداوم کار دشواری است خصوصاً وقتی قرار باشد به درس و زندگی هم برسی! باید از خیلی چیزها بگذری. در ورزش قهرمانی اگر مسیری غیر از این انتخاب شود به نتیجه نخواهی رسید.

صفری ادامه داد: کسی که سودای قهرمانی در سر دارد باید از خیلی چیزها بگذرد. از تفریح، مهمانی رفتن و رفیق بازی صرف نظر کند. سال هاست از بعد از ظهر تا پاسی از شب در سالن حضور دارم و فکر می کنم این وضعیت تا دستیابی به موفقیت و تداوم آن ادامه پیدا خواهد کرد. این پدیده آینده ژیمناستیک در پایان با اشاره به هدف نهایی خود در ورزش



دیدار رئیس فدراسیون ژیمناستیک با وزیر ورزش



زهرآینچه درگاهی رئیس فدراسیون ژیمناستیک با حضور در وزارت ورزش و جوانان با احمد دنیا مالی وزیر ورزش و جوانان ایران، دیدار کرد. در این دیدار رئیس فدراسیون ژیمناستیک گزارشی از اقدامات همچنین درخصوص برنامه های آتی فدراسیون نیز صحبت هایی را انجام داد.

حضور یک مربی و پنج ژیمناست تهرانی در اردوی تیم ملی نوجوانان

از سوی فدراسیون ژیمناستیک پنج ورزشکار و یک مربی استان تهران به اردوی آمادگی تیم ملی (منتخبین) این رشته فراخوانده شدند. در این اردو که به مدت چهار روز یعنی نهم تا دوازدهم بهمن در سالن برادران شهید آذری مجموعه ورزشی شیرودی تهران برگزار شد فریدون گردشی به عنوان مربی، محمدجواد ایمانی، علیرضا شیر کوهی، پرهام علیزاده، امیر مهدی چراغی و آرین حسنلو نیز به عنوان ورزشکار حضور داشتند.



نشست خوش طینت با مسئولین هیات ژیمناستیک اسلامشهر



محسن خوش طینت رییس هیات ژیمناستیک استان تهران با حضور در جمع مسئولین ورزش و هیات ژیمناستیک اسلامشهر از نزدیک در جریان فعالیت های این هیات قرار گرفت. در این دیدار که سید صادق صالحی رییس اداره ورزش و جوانان اسلامشهر، سرکار خانم ممتازی معاون بانوان، شکری معاون فنی آقایان، شراره نجفی رییس و دیگر مسئولین هیات حضور داشتند اهداف و برنامه های هیات مورد بررسی قرار گرفت. در این جلسه همچنین حکم ریاست هیات سرکار خانم نجفی به ایشان اهدا شد.

برگزاری کلاس باز آموزی داوری ژیمناستیک در تهران



یک دوره کلاس باز آموزی داوری ژیمناستیک زیر نظر هیات استان تهران برگزار شد. این کلاس با حضور ۲۰ نفر از داوران استان و با تدریس سید طاهر علوی طی روزهای ۱۳ و ۱۴ دی ماه در سالن شهید حیدر نیا برگزار شد.

برگزاری کلاس آموزشی توسط هیات ژیمناستیک تهران

هیات ژیمناستیک استان تهران در نظر دارد، یک دوره کلاس تئوری عمومی درجه ۳ پیش نیاز کلیه مربیگری ها را بصورت حضوری در بهمن ماه برگزار نماید. متقاضیان شرکت در دوره فوق می توانند با حضور در محل هیات ژیمناستیک استان تهران و یا ارسال مدارک در پیام رسان واتساپ نسبت به ثبت نام خود در دوره فوق اقدام نمایند.

قنبریان رییس هیات ژیمناستیک شهرری:

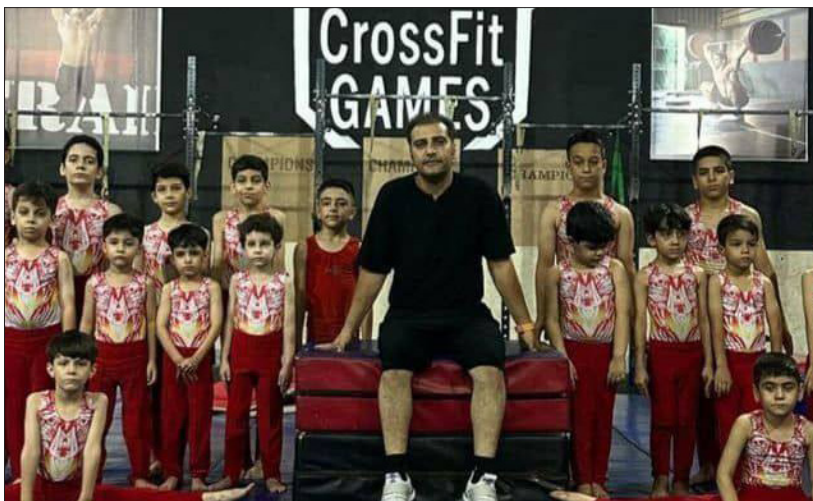
سالن بدهند خودمان تجهیز می کنیم

وی در بخش دیگری از صحبت های خود خاطرنشان کرد: همانطور که پیشاپیش اشاره کردم شهر ری استعداد های خوب ژیمناستیک دارد. چند سال قبل محمد حسین قلی خانی موفق شد در رده جوانان مدال برنز آسیا را کسب کند. نیایش رمضانیان در وسیله موازنه بخش دختران رده سنی ۱۰-۱۲ سال توانسته قهرمان کشور شود. در بخش پسران هم نفرات خوبی داریم که طی سال های آینده حرف زیادی از آنها خواهید شنید. مربیان ما در هر دو بخش آقایان و بانوان با جدیت فعالیت و تلاش می کنند شخصا علاوه بر اینکه از چهار سال پیش مسئولیت هیات را بر عهده دارم، کار مربیگری هم انجام می دهم و از نزدیک بر همه امور نظارت می کنم. امیدوارم با مساعدت مسئولین بتوانیم در آینده نزدیک خانه ژیمناستیک اختصاصی خودمان را داشته باشیم و تا استعدادهایی را که پرورش داده ایم به ثمر برسانیم.

قنبریان در پایان تاکید کرد: چند ماه یکبار جشنواره استعدادیابی برگزار می کنیم تو اهداف مان را مطابق برنامه فدراسیون جهانی پی بگیریم. امیدواریم در آینده تیم های قوی دختران و پسران شهر ری را راهی مسابقات مختلف داخلی کنیم تا از این رهگذر مسیر رسیدن به تیم ملی هموار شود. طی روزهای آینده در رقابت های جام جوان پهلوان که زیر نظر شهرداری باقر شهر برگزار می شود حضور پیدا خواهیم کرد. خوشبختانه رییس هیات استان از وقتی که مسئولیت پذیرفته از هیچ کوششی جهت پی گیری امور ژیمناستیک فروگذار نمی کند. چند سال هیات تهران بدون رییس بود. این امر به ژیمناستیک پایتخت آسیب زیادی وارد کرد امیدواریم اکنون که اوضاع فرق کرده و مسئول پر تلاش در راس هیات قرار گرفته دغدغه هیات های شهرستان به حداقل برسد.

در منطقه شهر ری استقبال از ژیمناستیک خیلی خوب است و علاقه مندان این رشته خصوصا در بخش هنری و ژیمناستیک برای همه، در هر دو بخش دختران و پسران فعالیت دارند.

محمد قنبریان رییس هیات ژیمناستیک شهرستان ری ضمن بیان مطلب بالا افزود: ژیمناستیک در این منطقه علاوه بر کلوپ های خصوصی در سالن های باقر شهر که متعلق به شهرداری است، سالن دانشگاه آزاد و سالن شهدای فولاد آموزش و پرورش پی گیری می شود. ما از این امکان در جهت پیشبرد و گسترش ژیمناستیک استفاده می کنیم با این وجود پی گیر یک سالن اختصاصی از طریق اداره ورزش هستیم تا خیال مان راحت باشد که هیات سالن خودش را دارد و دغدغه اینکه ممکن است روزی نتوانیم از مکان های ورزشی ارگان های دیگر استفاده کنیم در میان نباشد. طی صحبت هایی که همین چند روز پیش با رییس اداره ورزش شهر ری داشتیم ایشان از اینکه سالنی را در اختیار هیات قرار دهد استقبال کرد منتهی باید ابتدا سالنی با ارتفاع مناسب که به درد ژیمناستیک بخورد پیدا شود. همچنین باید امکان استقرار شش وسیله در آنجا فراهم و ماده ۸۸ هم نباشد. ما حتی حاضریم مطابق توافق با اداره ورزش، وسایل ژیمناستیک را هم خودمان خریداری کنیم به شرطی که اطمینان داشته باشیم سالن چند سال در اختیار هیات قرار می گیرد. چند سال قبل یک سالن در اختیار ما بود و وسایل هم برای آنجا خریداری کرده بودیم طی دوران کرونا که سالن ها تعطیل شد پیمانکار سالن را خالی کرده و وسایل را هم با خودش برده بود که ما بعدا متوجه شدیم اما نهایتا پی گیری ها جهت بازگرداندن وسایل بی نتیجه بود. اگر سالن متعلق به هیات باشد دیگر این مشکلات را پیدا نمی کنیم.



رطب خورده‌هایی که منع رطب می‌کنند!

داستان مدیران دو و میدانی ایران

بود. ورزشکار سالاری که برای عمل خار پاشنه پای خود آنقدر مصاحبه کرد و چهره حق به جانب گرفت تا کمیته ملی المپیک و فدراسیون وقت دو و میدانی را مجاب کند برای درمان خار پاشنه پا، علیرغم حضور پزشکان فوق تخصص در ایران، به آلمان اعزام اش کنند. و جالب این که او به تیغ جراحان حاذق برجسته هم وطن هم تن نداد. خلاصه این که احسان حدادی رئیس کنونی فدراسیون دو و میدانی طی ۲۰ سال فرهنگ ورزشکار سالاری، بی انضباطی و خود محوری را با لقب پر هزینه ترین ورزشکار تاریخ ورزش کشور و برنده گران ترین مدالها در هم آمیخته و برای ورزش کشور و بالاخص دو و میدانی ایران به میراث بگذارد. میراثی که حالا از نظر خود او تکیه بر آن ارزش نیست و امروز در قامت رئیس فدراسیون به کل منکر آن شده است. حالا او نشسته بر صندلی ریاست فدراسیون، دوومیدانی از نظم و انضباطی حرف می زند و مخالف جدی بی انضباطی، خود محوری و ورزشکار سالاری است، که خود سمبل آن بود. حالا او مخالف جدی مصاحبه و مطالبه گری ورزشکاران دو و میدانی است و به شدت هم با آن برخورد می کند. حالا او از اساس مخالف اردوهای لوکس و لاکچری در آمریکا، آلمان و آفریقای جنوبی است، مخالف جذب مربیان گران قیمت آمریکایی و روسی است و تمرین در اردوها و کمپ های تاپ دنیا را قبول ندارد و ورزشکاران برجسته دو و میدانی ایران را مجبور می کند تا در اردوهای جمعی حاضر شده و در خوابگاههای زیر پله های ورزشگاه آفتاب بخوابند. هر ورزشکاری هم که خلاف این موارد فکر کند و چیزی بیش از آن از رئیس بخواهد، او را بی انضباط و خاطی می داند، تعلیقش می کند و روی نامش خط قرمز می کشد، کمیته نمایشی انضباطی برایش تشکیل می دهد تا نشان دهد او همچنان سالار است و حالا رئیس فدراسیون سالار... احسان حدادی همان رطب خورده ای است که منع رطب می کند. و جالب تر اینکه در کنار خود همکارانی دارد که کم و بیش و در سطحی پایین تر، همان رویه را در دوران قهرمانی و حتی بعد از آن طی کرده اند. عضو اجرایی فدراسیون دوومیدانی تنها ورزشکار تاریخ ورزش ایران است که بعد از مخالفت رئیس وقت فدراسیون با درخواست او، با مشت بر شیشه های فدراسون کوبید و کارش به بیمارستان کشیده شد. قهرمان دهگانه ایران بعدها در قامت مربی، با چرخش های ۱۸۰ درجه ای پی در پی در قامت موافق و مخالف فدراسیون قرار گرفت. امروز موافق است و خدا می داند کی دوباره به اردوگاه مخالفان برگردد. در مواقعی که خودش هست، همه چیز بر وفق مراد است، خدا نکند که خودش بنا به هر دلیلی نباشد، آن وقت فدراسیون دو و میدانی و مسئولین آن اگر هم مثل ساعت کار کنند، از نظر او همه چیز بد است و دوومیدانیدارد به قهقرا می رود، قصه جالب تر این روزهای فدراسیون دو و میدانی حضور دبیری است که خود را علامه دهر می داند و منکر توانایی هر کسی غیر از خودش است. او که تنها افتخارش در ورزش اول المپیک، ... بوده، مانند بقیه مدعیان از نظم و انضباط و قانونی حرف می زند که همه می دانند خودش در مقطعی که

حکایت این روزهای دو و میدانی ایران بیش از هر چیز یادآور مثل قدیمی «رطب خورده، منع رطب کی کند» است. رئیس، دبیر، عضو اجرایی فدراسیون و... هر لحظه مصاحبه و بر نظم و انضباطی تاکید می کنند، که خود طی سالهای سال ناقض آن بوده اند و در فدراسیونهای مختلف و طی ۲۰ سال اخیر فرهنگ ورزشکار سالاری بی انضباطی و خود محوری را نهادینه کرده و خود سمبل آن بوده اند.

رئیس کنونی فدراسیون دو و میدانی را به جرات می توان سمبل فرهنگ ورزشکار سالاری و بی انضباطی در ورزش کشور دانست. کسی که از همان ابتدای دوران قهرمانی خود، مسیر متفاوتی از سایر قهرمانان برجسته ایران زمین (در همه رشته ها) را در پیش گرفت. انتظارات و مطالبات متفاوت او به سرعت امکاناتی رویایی و فراتر از حد تصور را برایش مهیا نمود. مربیان طراز اول و گران قیمت روسی و آمریکایی، ماساژ روسی و مدیر برنامه در کنار اردوهای لوکس و لاکچری در کشورهای آمریکا، آلمان، آفریقای جنوبی، روسیه، چین، بلاروس، اکراین و ... که در بسیاری از مواقع غیر ضروری بود، بیست سال تمام برای احسان حدادی مهیا بود و در اختیارش قرار گرفت و تقریباً معادل ۷۵ درصد بودجه فدراسیون تحیف دو و میدانی ایران را، تنهایی به خود اختصاص می داد. کاش مطالبات و انتظارات رئیس کنونی فدراسیون دو و میدانی صرفاً به گرفتن امکانات فراتر از تصور و بسیار رویایی ختم می شد. او در همان ایام، فدراسیو نهایی وقت دو و میدانی را تحت فشار قرار داده و بخش عمده بودجه آنها را به خود اختصاص می داد. جالب است که بعد از همه اردوها و تدارکات رویایی، با حق طلبی و مطالبه گری تمام، رو به دوربین ها قرار می گرفت و مدعی عدم حمایت و توجه کافی از خود می شد. در مقطعی کنفرانس مطبوعاتی علیه فدراسیون و سرپرست وقت آن برگزار کرد و در قالب یک ورزشکار (سالار) به فدراسیون دو و میدانی و سرپرست آن تاخت. بعد از کسب مدال در المپیک لندن که ما حاصل تدارکات و اردوهای پر هزینه و گزافی بود که از بیت المال برایش هزینه شد، با یک شبکه تلویزیونی خارج از ایران مصاحبه کرد و از عدم حمایت و نبود امکانات در کشور گفت!!! و جالب است وقتی بخش خبری (بیست و سی) سیما این موضوع را منعکس کرد، حدادی به آنها هم تاخت تا نشان دهد چیزی فراتر از ورزشکار است؛ یعنی ورزشکار سالار... این رویه سالها ادامه پیدا کرد و او بی محابا و بدون هیچگونه ملاحظه ای بر فد

راسیون، کمیته ملی المپیک و وزارت ورزش تاخت و خود را در جایگاه مطالبه گر و حق به جانی قرار داد که ورزش کشور شبیه آن را به یاد ندارد. بسیاری از علاقه مندان ورزش دوومیدانی، مربی گران قیمت روسی (کیم بوخونسف) و مربی آمریکایی (مک ویل کنیز) را به خاطر دارند که فقط به خاطر او تحت قرارداد فدراسیون قرار گرفتند. بسیاری اردوهای لوکس و پی در پی او در کشورهای آمریکا، آلمان و آفریقای جنوبی را به خاطر دارند. حتی در مقطعی که دیگر از قافله

پرتاب گران برجسته دیسک دنیا فاصله گرفته بود، از مواضع خود کوتاه نیامد و اردوهای خود را در آمریکا،

آلمان، بلاروس، چین و... را با مربی و ماساژر خارجی ادامه داد تا نشان دهد او سالار است، بله، او سالار



انتخابات فدراسیون فوتبال

نیاز به تغییرات اساسی در مدیریت ارکان فدراسیون



عبدالحمید احمدی

رقابت‌ها و مسابقات شده است. نکته چهارم توجه به موضوع کلیدی آموزش و تربیت بازیکنان است که در کشورهای موفق، نظام‌های آکادمیک حرفه‌ای و قوی برای شناسایی و پرورش استعدادها ایجاد شده و از نتایج آن چه در ارتقاء فوتبال باشگاهی و ملی و چه سودآوری در فروش استعدادهای پرورش یافته به باشگاههای اروپایی بهره‌مند شده‌اند. در صورتی که در باشگاههای حرفه‌ای ایران به ایجاد و توسعه این سیستم‌ها توجه کافی صورت نگرفته و در نتیجه باعث شده تا استعدادهای ناشناخته و جوان به راحتی نادیده گرفته شوند. ضعف در سیستم‌های شناسایی و پرورش استعدادهای موجب می‌شود که نسل‌های جدیدی از بازیکنان با پتانسیل بالا شناسایی نشوند و فرصت‌های رشد و درخشش را از دست بدهند. بدیهی است یکی از ارکان مهم و کلیدی برای توسعه فوتبال در سطوح باشگاهی ایجاد آکادمی‌های معتبر با برنامه‌های آموزشی منظم برای شناسایی و پرورش استعدادهای است.

نکته مهم دیگر در توسعه و پیشرفت فوتبال در بسیاری از کشورها توجه به توسعه فرهنگی فوتبال در جهت تقویت و تحکیم فرهنگ و هویت ملی است. توجه به این موضوع مهم به بهبود نگرش‌ها و رفتارها در فوتبال، کنترل آسیب‌ها و رفتارهای ناپسند هواداران، و ایجاد انگیزه در بازیکنان و مربیان و مدیران کمک نموده و موجب حمایت گسترده‌تر اجتماعی از فوتبال شده است.

نکته ششم حضور مستمر در رقابت‌های بین‌المللی و برگزاری رویدادهای بین‌المللی و کسب تجربه موفقیت در این رویدادهاست و بدیهی است کشورهایی که در حضور و میزبانی رقابت‌های بین‌المللی موفق‌تر هستند، از فرصت‌های بیشتری در برگزاری مسابقات و مواجهه با تیم‌های قوی‌تر برخوردارند و این تجربه به بازیکنان و مربیان کمک می‌کند تا در شرایط رقابت‌های فشرده و سخت بهتر عمل کنند. نکته دیگر استفاده از نوآوری‌ها و فناوری‌های نوین در تحلیل مسابقات، تمرینات، و بهبود عملکرد تیم‌ها و بازیکنان است و کشورهایی که توانسته‌اند در این زمینه پیشرفت کنند بهره‌موری بیشتری از ظرفیت‌ها و استعدادهای خود داشته‌اند. متأسفانه علیرغم وجود زمینه‌ها و پیشرفت‌های علمی کشور در حوزه‌های فناوری، باشگاههای فوتبال ایران هنوز در این زمینه در شرایط خوبی نیستند و نیاز به بکارگیری تکنولوژی‌های ورزشی در آن‌ها بشدت احساس می‌شود.

نکته هشتم ساماندهی حرفه‌ای امور هواداران و برخورداری از حمایت قوی جامعه و مردم از فوتبال است که می‌تواند به ایجاد یک محیط مثبت و انگیزشی برای باشگاه، بازیکنان، مربیان، و مدیران کمک کند. این حمایت می‌تواند شامل حمایت معنوی و مالی، حضور پرشور تماشاگران برای تماشای بازی‌ها و تشویق در شرایط مسابقات سخت باشد. با توجه به نکات فوق و نقاط ضعف برشمرده، اگر فوتبال ایران بخواهد در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای رقابت کند، نیاز به تغییرات اساسی در مدیریت ارکان فدراسیون فوتبال و برنامه‌ریزی جامع و دقیق دارد. اگر این مشکلات به طور جدی مورد توجه قرار نگیرند، آینده فوتبال ایران با چالش‌های بیشتری نسبت به شرایط کنونی روبه‌رو خواهد بود. به نظر می‌رسد فدراسیون فوتبال ایران برای موفقیت در رقابت سخت و فشرده با کشورهای مدعی منطقه و قاره راهی به جز بکارگیری ترکیبی از مدیریت حرفه‌ای، برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری، آموزش، فرهنگ، و استفاده از تجارب موفق داخلی و خارجی را ندارد و بدیهی است که انتظار جامعه و مردم آن است که هرچه سریع‌تر شرایط به سمت بهبود وضعیت فوتبال ایران تغییر کند.

در آستانه تشکیل مجمع انتخاباتی فدراسیون فوتبال در اسفندماه ۱۴۰۳ و با توجه به ثبت نام کاندیداهای فدراسیون و اعلام اسامی داوطلبان ریاست و نواب رئیس برای دوره جدید مدیریت فدراسیون فوتبال، به نظر می‌رسد افق و چشم‌انداز فوتبال ایران بدلیل ضعف‌های

مدیریتی و ساختاری، در مواجهه با چالش‌ها و مشکلاتی چون نداشتن برنامه توسعه، مدیریت ناکارآمد و غیر حرفه‌ای در ارکان فدراسیون و باشگاه‌ها، عدم سرمایه‌گذاری مناسب، نبود نظام شناسایی و پرورش استعدادهای، روزآمد نبودن زیرساخت‌ها و امکانات متناسب با شرایط و نیاز روز فوتبال، نبود اراده برای مواجهه و برخورد با ناهنجاری‌ها و مصادیق فساد، ضعف در فرهنگ‌سازی و آموزش، بلا تکلیفی موضوع حق پخش و نبود شفافیت در نظام مالی در شرایط مناسب و امیدوارکننده‌ای قرار ندارد.

فوتبال ایران علیرغم برخورداری از سابقه‌ای صدساله و نقاط قوت و پشتوانه‌های مثبتی همچون جمعیت چندده میلیونی علاقمند و هوادار، استعدادهای فراوان، افتخارات باشگاهی و ملی در قاره، چند دوره صعود به جام جهانی، و لادر رقابت با کشورهای منطقه و جهان با ضعف‌ها و تنگناهایی مواجه است که در صورت استمرار وضع موجود و عدم برنامه ریزی بلندمدت در جهت رفع این ضعف‌ها و نقائص، با دشواری‌ها و ناکامی‌های بیشتری مواجه خواهد بود. در توضیح ضعف‌ها و چالش‌های فوتبال ایران و در مقایسه با شرایط باشگاههای فوتبال در کشورهای قاره و منطقه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ضعف‌های مدیریتی و بی‌ثباتی مدیران و به تبع آن بی‌برنامگی و روزمرگی در فدراسیون و باشگاه‌ها، مانع از برنامه محوری و داشتن استراتژی‌های بلندمدت و همچنین عدم شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و در نهایت رشد پایدار فوتبال شده است. بدیهی است که برای داشتن فوتبال رو به رشد و موفق باید سیستم‌های مدیریتی قوی و حرفه‌ای را جایگزین روش‌های سنتی و بی‌خاصیت کنونی نمود و با برنامه‌ریزی دقیق و استراتژیک به توسعه فوتبال در تمام سطوح از پایه تا بزرگسالان توجه کرد. نکته دوم آن که برای برخورداری از فوتبال پیشرفته وجود زیرساخت‌های مجهز و روزآمد ضروری و لازم است. در شرایط کنونی متأسفانه بسیاری از مکان‌های ورزشی و زمین‌های تمرین و ورزشگاههای برگزاری مسابقات نیاز به بهسازی و تجهیز دارند. بدیهی است بدون زیرساخت‌های مناسب و مجهز نمی‌توان به بهبود کیفیت برنامه‌های تمرین و برگزاری بهینه مسابقات امیدوار بود. نکته سوم تقویت و استحکام بنیه مالی باشگاه‌ها و سرمایه‌گذاری بلندمدت در فوتبال است که در طی تقریباً یکی دو دهه گذشته در کشورهای شرق آسیا و اخیراً در کشورهای عربی منطقه شاهد جذب سرمایه‌های کلان برای ایجاد، توسعه و ارتقاء زیرساخت‌های باشگاهی و تقویت سیستم‌های آموزشی و استعدادپروری و جذب استعدادهای جدید بوده ایم. در صورتی که باشگاههای ایران بدلیل نبود حمایت‌های قانونی به ویژه در موضوع حق پخش که سالها بلا تکلیف مانده است و استقرار نظام شفاف مالی که می‌توانست به توانمندسازی و تقویت بنیه فوتبال بینجامد در شرایط مناسبی قرار ندارند و این وضعیت منجر به ناتوانی و ضعف آنان در مرادفات بین‌المللی و به ویژه جذب بازیکنان با کیفیت و به تبع آن کاهش کیفیت



چرا تلویزیون «عاملی» برای آزردهی خاطر «عامل» شد؟

حرمت میهمانان خود را به سخره بگیرند، به هیچ وجه پذیرفتنی نیست. حال اگر دوستان بخواهند در توجیه اشتباه خود بهانه بیاورند که روال برنامه چنین است و میهمانان دیگر در مقابل چنین هدیه ای اصلاً واکنشی مانند هادی عامل نداشته اند! البته شاید اگر مجریان دیگری که این روزها در تمامی شبکه تلویزیونی و در اکثر برنامه ها رد پای آنها دیده می شود، بودند، علاوه بر پذیرش این هدایا، صحنه هایی بیاد ماندنی هم خلق می کردند. پس بهتر است تلویزیون از این پس در تولید چنین برنامه هایی با میهمانان خود بر اساس روحیات آنها برنامه تعریف کند و با عملکرد خود باعث آزردهی خاطر آنها نشود!

خوب می شد، که مجریان و تهیه کننده گان برنامه های این چنینی با توجه به روحیات میهمانان خود برای آنها چنین هدیه ای را تعریف می کردند! هدیه ای که هادی عامل از دیدن و پذیرش آن سرراز زد و ناخوشنودی خود را از چنین وضعیتی اعلام کرد. برنامه ای که هادی عامل دیگر برایش هیچ نمره ای به جز نمره مردودی رقم نزد! چه خوب می شود در برنامه های این چنینی مثل خیلی از برنامه های دیگر، سیما اصلاً هدیه ای به میهمانان اهدا نکند. یعنی میهمانان بیایند، برنامه ای را با حضور خود پر کنند و سر آخر هم بپروند! اما اینکه بخواهند در برنامه های این چنینی و با اهدا چنین هدایایی

شاید اگر کسی برای نخستین بار برنامه ای را که با حضور هادی عامل گزارشگر توانمند کشتی، از یکی از شبکه های تلویزیونی را می دید، از روند برنامه و ناراحتی میهمان آن یعنی هادی عامل به درستی متوجه می شد که چه شوخی بی مزه ای با میهمان آن برنامه صورت گرفته است. میهمانی بنام هادی عامل که به او کفن و آگهی ترحیم خودش را هدیه دادند. هدیه ای که هر توجیهی که دوستان بخواهند برای آن پشت سر هم قطار کنند، در ماهیت ناپسند آن هیچ شکی باقی نمی ماند.

مرگ حق است و مردن امری مسلم که دیر یا زود همه ما، به آن دعوت، لبیک خواهیم گفت. اما چه



حتی شوخی آن هم زشت است!

حق عامل این نبود!

چرا خنده را به آنها اهدا نمی کنیم و چراهای دیگری که شاید از حوصله این بحث خارج باشد. ما هنوز با شیر مادر و نان پدر حالات دلاور، هادی عامل برای خود خاطره ها ساخته ایم. اصلاً باور کنید خیلی از ماها کشتی را با صدای هادی عامل دیده و از آن لذت می بریم. باور کنید کار شبکه تلویزیونی افق اگر شوخی هم بوده باشد که نیست، باز هم زشت بوده است! این را هم بپذیریم که نخواهیم با یک عذرخواهی ساده از کنار این اشتباه بزرگ بگذریم.

کار تلویزیونی ها را دوچندان کرد و تاوان بدی هم برای تلویزیون بر جای گذاشت! با دیدن آن برنامه هیچ واژه ای جز تاسف برای من و خیلی دیگر از بینندگان تلویزیونی باقی نماند. تاسف از بابت اینکه ما مرگ را به چهره های دوست داشتنی خود هدیه می دهیم، کاری که در هیچ کجای دنیا انجام نمی شود و حتماً هم دلیلی دارد که این دست اتفاقات را تنها باید در تلویزیون خودمان شاهد باشیم. برآستی چرا ما امیدواری و زندگی را به بزرگان خود هدیه نمی دهیم.



بهمن دان

چندروزی از اتفاقی که در شبکه تلویزیونی افق برای هادی عامل گزارشگر خوب و خاطره ساز کشتی ایران رخ داد، می گذرد، اتفاقی که به جز تلویزیونی ها هیچ کس در صدد توجیه آن بر نیامد، که این مسئله زشتی

ایران به لیگ جهانی هاکی روی یخ می رود؟



لیگ معتبر در سطح بین‌المللی شناخته می‌شود. ورود ایران به این لیگ معتبر منوط بر تامین منابع مالی و حضور اسپانسر هاست. با توجه به جذابیت و محبوبیت این رشته در ایران در صورت پخش سراسری لیگ فوق امکان جذب اسپانسر بالا می‌رود و تیم ایران در مسیر جهانی شدن به قدرت واقعی خود می‌رسد.

و تبادل نظر کردند. همچنین کاوه صدقی رئیس انجمن هاکی روی یخ ایران در حاشیه این نشست ضمن دیدار با مدیران عامل ۵ باشگاه KHL و روسای فدراسیون‌ها و انجمن‌های هاکی روی یخ کشورهای شرکت کننده ضمن ارائه روند رو به رشد هاکی روی یخ ایران پیشنهاداتی را برای توسعه همکاری‌های فی‌مابین ارائه نمود.

گفتنی است لیگ هاکی روی یخ KHL (Kontinental Hockey League) لیگ حرفه‌ای هاکی روی یخ است که در اروپا و آسیا فعالیت می‌کند. این لیگ در سال ۲۰۰۸ تأسیس شد و بعد از NHL به عنوان دومین و معتبرترین لیگ‌های هاکی روی یخ در جهان شناخته می‌شود. این لیگ شامل باشگاه‌های عضو مستقر در روسیه، بلاروس، قزاقستان و چین به‌طور کلی ۲۳ باشگاه می‌باشد KHL به عنوان یکی از محورهای اصلی توسعه هاکی روی یخ در منطقه و به عنوان یک

در حاشیه نشست میزگرد KHL تاشکند ازبکستان کاوه صدقی رئیس انجمن هاکی روی یخ ایران با مدیر عامل و اعضای هیأت مدیره دومین لیگ بزرگ هاکی روی یخ جهان دیدار کرد

کاوه صدقی رئیس انجمن هاکی روی یخ کشورمان به نمایندگی از ایران در نشست بین‌المللی توسعه و ترویج هاکی روی یخ باشگاهی که همزمان با دیدار دو تیم اسپارک مسکو و دیناموی مینسک در تاشکند برگزار شد حضور یافت. در این نشست که با حضور نمایندگان فدراسیون‌های ملی و باشگاه‌های ۱۲ کشورارمنستان، بلاروس، بحرین، گرجستان، ایران، قزاقستان، کویت، مغولستان، امارات متحده عربی، روسیه، اسلونی و ازبکستان برگزار شد نمایندگان KHL و باشگاه‌های لیگ دوم جهان درباره روش‌های ممکن تعامل، آمادگی تیم‌های ملی بر اساس توسعه باشگاه‌ها و همچنین تجربیات خود از آکادمی‌های هاکی کودکان بحث

دیدار جذاب مدعیان قهرمانی لیگ هاکی روی یخ برگزار شد رئیس کمیسیون سلامت شورای شهر و جمعی از ورزشی‌ها بازی را به تماشا نشستند

کاظم اولیایی پیشکسوت ورزشی، پاک آغاز رقابت ام دات آر و آیس باکس را به زمین انداختند. این دیدار در وقت معمول با تساوی ۲-۲ به پایان رسید و در وقت اضافه تیم ام دات آر با گل ابوالفضل اسلامی به برتری رسید.

بیست و یکمین بازی از چهارمین دوره لیگ هاکی روی یخ آقایان میزبان جمعی از مدیران و نخبگان ورزشی کشور بود.

در این دیدار و به رسم همیشگی آغاز از سوی بزرگان ورزش پیرهادی عضو شورای شهر تهران و رئیس کمیسیون سلامت شورای شهر و سید





برای ناصر خان عظیمی، «او» که تا آخرین دم حیات، باز هم؛

«کاپیتان» همه «خوبی ها» بود



فرامرز سنگینی

خیلی خوب است که «آدم» ها، پای کار خودشان بایستند. تازه اگر، آن «کار»، کار خوبی هم باشد. بیش از چهل سال پیش، یک «مرد» عاشق ورزش و شیفته معلمی، با قلبی پر از مهربانی، بزرگی و بزرگواری، پایه گذار نشست جمعی از نام آوران ورزش این مملکت شد، آنهم بدون وابستگی به هیچ اداره و ارگان و تشکیلات ورزشی و غیر ورزشی.

فقط خودش

این حس قشنگ که بزرگان و قهرمانان شاخص ملی، آسیایی، جهانی و المپیکی هر رشته ای را، بیش از چهل سال، در اولین سه شنبه های هر ماه، دور هم جمع شان کنید، از آنها نام ببرید، از آنها تقدیر کنید، جشن تولد برایشان بگیرید و گرد افسردگی و غبار گمنامی را از آنها دور کنید. اینها همه، اگر عین ثواب نیست، پس چیست؟

... و اینها همه، بدون وابستگی به «این» و «آن»، بدون ریا، بدون غرور و بدون ...

فارغ از همه تقسیم بندی های رایج در این جهان هستی، در حقیقت و در یک معنا، فقط یک تقسیم بندی هست که «آدم» ها را از همدیگر تفکیک می

کند و می شود، «آن» ها را از همدیگر تمیز داد. نه رنگ پوست انسانها (اعم از سیاه و سفید و زرد و سرخ و ...) نه نژادشان، نه زبان شان، نه مرزهای بی نهایت اشتباه گذارده شده بین اقوام و ملت ها، نه دین و مذهب و نه هیچ یک از موارد مشابه، نمی توانند، بهترین محک تقسیم بین «آدم» ها باشند، مگر یک «مهم» که همه عالم مجبور به تبعیت از آن است و «آن» تقسیم بندی «انسان» ها با ملاک «خوب» بودن و یا «بد» بودن است. ... و شگفتا، چقدر شبیه هم هستند «آدم»، خوب های همه افراد بشر از هر نژاد و رنگ و دین و مذهب و ... نکته بسیار مهم، تعریف «خوبی» و «خوب» بودن است و بدون شک، با تعیین ویژگی ها و شاخصه های «خوبی»، هر آنکس که از «آن» ویژگی ها، تهی باشد، قطعاً در صف آدم «بد» های روزگار خود قرار می گیرد. «ناصر» خان «مهربان» بود، «قدر شناس» بود، نماد «تواضع» و «فروتنی» بود، از خودش، هیچی نمی گفت، در عوض مثل «شیر» برای نسلی خدمت می کرد و از نسلی سخن می گفت و دفاع می کرد، که هر کدام شان، «نام آور» و «رستم» زمانه خود بودند.

آقای «عظیمی» صراحت لهجه داشت، با کسی «تعارف» نداشت، ایشان، نماد «نظم» و «پشتکار» و «غیرت» بود.

ناصر «خان»، «بزرگی» خودش را نمی دید و

در عین «سالار» بودن، متواضعانه از دیگران نام می برد، از دیگران قدردانی می کرد و از دلآوری های آنها می گفت و مردانه «ستایش» شان می کرد. از «مرام» و «معرفت» ناصر خان همان بس، که تا آخرین لحظه «حیات» ، غم بزرگمردان پیشکسوت روزگار خود را می خورد.

«او» تا آخرین دم زندگی اش، غصه دار مشاهیر و چهره های ماندگار ورزش ایران زمین بود. قرار بود همین سه شنبه، چهارم دی ماه سال یکهزار و چهار صد و سه، بزرگترها، برایش جشن تولد هشتاد و هشت سالگی اش را بگیرند، اما، اینچنین نشد و بزرگمرد زمانه ما، روز دوشنبه سوم دی ماه سال یکهزار و چهار صد و سه، دارفانی را وداع گفت. یقیناً، شما بزرگواران نیز، تصدیق می فرمایید که «ناصر» خان «عظیمی» از «آدم»، خوب های زمانه ما بود.

روحش شاد.

گل محمدی مدیر کل اسبق ورزش و جوانان استان تهران

صاحبان قدرت در مجامع انتخاباتی انتخابات را چینش می کنند!



سامان علی عسکری

رضا گل محمدی مدیر کل سابق ورزش و جوانان استان تهران که دست بر قضا چندی است که با بیماری منحوسی دست و پنجه نرم می کند و به شکر خدا توانسته است تا حدودی زیاد این بیماری را شکست دهد، پیش نیازهای الزامی یک مدیر را به دو بخش شاخصه های کلی (شامل شاخصه های اخلاقی و انسانی) و همچنین شاخصه های تخصصی تقسیم کرد و در ادامه اینطور عنوان کرد که: یکی از شاخصه های مدیران، شناخت کافی از آن مسئولیت، سازمان و متأثر از عوامل تأثیر گذار البته پیش از قبول مسئولیت است، در کل شاخص ها و دستورالعمل ها گاهی به نحوی تعیین و تنظیم شده اند که افراد شایسته کمتر امکان راه پیدا کردن به عرصه مدیریت ورزش را پیدا کنند. از ابتدای انقلاب چالش تخصص بهتر است یا تعهد را داشته ایم، ولی از زبان بزرگان عرض میکنم؛ کسی که تخصصی ندارد و مسئولیتی را می پذیرد، بدان معناست که وی تعهد نیز ندارد.

مدیر کل اسبق ورزش و جوانان استان تهران در ادامه تشریح شاخصه های مدیران و رؤسای فدراسیون ها بیان کرد: امروزه یک رئیس فدراسیون باید مقبولیت عام و عمومی بالآخص بین اهالی ورزش داشته باشد. متأسفانه پاره ای از مواقع شاهد هستیم که برخی از مدیران بصورت تیمی و گروهی به یک مجموعه ملحق می شوند، این بدان معناست که شایسته سالاری جای خودش را به رانت و انتخاب های گروهی و تیمی می دهد.

گاهی دیده می شود، صاحبین قدرت در مجامع انتخاباتی طوری انتخابات را چینش می کنند که همه ی راه ها به رم ختم شود، این همان علتی است که می بینیم اغلب نفرات شایسته پشت درب می مانند و نمی توانند راه به مسئولیتی پیدا کنند در کل، شاخص ها جواری چیده شده تا مدیران لایق و متخصص امکان راه پیدا کردن به بدنه مدیریتی ورزش را نداشته باشند.

مدیر کل اسبق ورزش پایتخت در ادامه، دخالت های خارج از سازمان را آفت این روزهای فدراسیون ها دانست و اینگونه توضیح داد که: رؤسای فدراسیون ها و مدیران ورزشی باید مقابل دخالت های بیجای بیرون سازمانی بایستند و اجازه ندهند که خارج از

ورزش فردی در تصمیم گیری های یک مجموعه دخالت کند، شاید بتوان گفت که یکی از معایب تبدیل سازمان تربیت بدنی به وزارت خانه، تلاش برای دخالت سیاسیون در ورزش باشد. تبدیل سازمان به وزارت عاملی شد تا آمدن مدیران غیرورزشی و سیاسی به ورزش، مشروعیت پیدا کند و نتیجه همین شده است که می بینید، شاخص ها رنگ می بازند. وزیر ورزشی که با یک نامه ۲۰ امضایی نمایندگان استیضاح می شود، چطور می تواند به خواسته های آن نماینده جامه عمل نپوشاند؟ مسئولین ما باید قبول کنند که بدنه ورزش، بخشی از ساختار کشور است. از احمد دنیا مالی وزیر ورزش و جوانان که با ایشان قریب به نه سال همکار بوده و شناخت دیرینه از مدیریت و توانمندیهای ایشان دارم، می خواهم که مدیران ورزش را از داخل بدنه ورزش انتخاب کنند و اجازه ندهند تا خارج از ورزش، مدیری دیکته کنند. گل محمدی که پس از «مرحوم حجت اله خطیب» بیشترین تجربه مدیر کلی را در ورزش پایتخت در کارنامه دارد، افزود: در ۵ سالی که مدیر کل استان بودم برخی انتصاب های غیر ورزشی در شهرستانهای تهران اتفاق افتاده بود که با احترام آنها را به پست های قبلی و غیر ورزشی شان برگرداندم.

پرش اسکواش از ناگویا و صعود مستقیم به المپیک!

فدراسیون مدیر جسور می خواهد دهنه کار مند!

می کشند تا فردا صبح و روز از نوروزی از نو. نمی دانیم و شاید ما بی خبریم ولی شما خبری از مسابقات لیگ. قهرمانی کشور. رده های سنی، اردوهای تیم های ملی و... از اسکواش به چشم تان خورده است؟! بجای اینکه برای ثبت نام علی کفاشیان و عزیزی خادم ۵۰ تا رسانه در خیابان سستول اردوی شبانه روزی بزنند بدنیست نیم نگاهی هم از سر دلسوزی به این رشته ها داشته باشیم. ابتدا هم گفتیم عزیز پور را سالهاست می شناسم، جوانی سلامت و بسیار خوش اخلاق و دارای عزت و احترام است اما مدیریت داستان اخلاق و آقا معلمی نیست... اسم مرسوم مدیریت را شما زیر زبان تکرار کنید ولی من می گویم مدیریت نیاز به جنم و ریسک و جسارت دارد!

فدراسیون را بر عهده داشت حداقل در بعد همگانی و حضور بر برخی تورنمنت های معتبر توانست اسکواش را بعد از ترکیب موفق حمید قاسمی و بابک فقیه مطرح کند و کورت های زیادی در کشور افتتاح کرد اما الان آنقدر که انجمن دارت پر خبر و فعال هست اسکواش المپیکی فاقد آن پویایی و شور و نشاط می باشد.

عزیز پور همانند برخی دیگر از فدراسیونهایی که کار در سکوت (یعنی حرکت نکردن) را بر کار پرسر و صدا ترجیح می دهند بیشتر فدراسیون رشته جذاب و زیبا و پر مخاطب اسکواش را به اندازه یک بخش اداری در آورده که کارکنانش صبح راس ساعت کارت می زنند و عصر هم راس ساعت اداری کرکره را پایین

رئیس فدراسیون اسکواش که از زمان تصدی این فدراسیون تقریباً اسکواش عقب گرد داشته و نه انگار چنین رشته ی جذابی در ایران داریم! مدعی کسب مدال یا موفقیت در المپیک ۲۰۲۸ شده است! خیلی اعتماد به نفس می خواهد و نمی دانم چرا با این ادعا ایشان بازی های آسیایی ناگویا را از قلم انداخته اند و یا شاید ناگویا را قابل ندانسته اند.

عزیز پور مدیر جوان و سلامتی است که تجربه ندارد و بواسطه اینکه مدارک انتخاباتی وی با اما و اگر همراه بود و چشم بر کمبود و نواقص مدارک وی بستند خود را وامدار سئول نشینان می داند ضمن اینکه به لحاظ شخصیتی هم قدرت تصمیم گیری بالایی ندارد. سلیمانی که نزدیک به دو دهه ریاست



انتظارات از تیروکمان در ناگویا بالا است

شعبانی بهار: برای بهترین شرایط برنامه ریزی کرده ایم

رشته در استان های دیگر و به فضای ذهنی ورزشکاران کمک می کند. برای بازی های آسیایی امیدوار هستیم تا شرایط خوبی را ببینیم و با تلاش شما و ورزشکاران، این موفقیت را به دست خواهیم آورد.

شعبانی بهار: هوش مصنوعی دستیار فدراسیون است در ادامه نشست شعبانی بهار رییس فدراسیون تیروکمان اظهار داشت: در زمینه زیرساخت ها توانستیم آکادمی ویژه ای را برای ورزشکاران و ملی پوشان تیروکمان به همراه خوابگاه تأسیس کنیم تا مشکل محل تمرین و خوابگاه ورزشکاران حل شود.

وی در ادامه به استفاده از هوش مصنوعی در این فدراسیون اشاره کرد و افزود: مدتی است که استفاده از هوش مصنوعی را آغاز کرده ایم که در بحث تکنیکی و پیش بینی به ما کمک می کند.

شعبانی بهار ادامه داد: هوش مصنوعی به عنوان دستیار برای فدراسیون در نظر گرفته شده است و در بحث روانشناسی خیلی به ورزشکار کمک می کند و هوش مصنوعی می تواند بازی را پیش بینی کند.

رغبتی: برای کسب حداقل دو مدال در ناگویا برنامه ریزی کنید در ادامه نشست علی رغبتی مشاور وزیر ورزش و جوانان خاطر نشان کرد: نمی توان به راحتی انتظار مدال از رشته تیروکمان داشت و برنامه ریزی خوبی در فدراسیون صورت گرفته است.

وی ادامه داد: با توجه به توضیحات رییس فدراسیون و مربیان، نگاه علمی در این فدراسیون حاکم است و باید هدف گذاری کنیم تا دو مدال در بازی های آسیایی کسب کنیم.

اسبقیان: توانایی مدال آوری تیروکمان بالا است اسبقیان معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای اظهار داشت: با توجه به کادر فنی کار بلد و فنی، توانایی فدراسیون تیروکمان بسیار بالاست و انتظار مدال از ورزشکاران این رشته را داریم. با جمیع جهات تیروکمان هدف خود را بزرگ گرفته و برای انجام کار بزرگ باید برنامه ریزی دقیق و بودجه کافی هم باشد.

امیدواریم اوضاع اقتصادی مملکت در سال آینده بهبود یابد تا ورزش نیز با فراغ خاطر به سوی موفقیت و سرافرازی در آسیا و المپیک حرکت کند.

صددرصدی داشته باشند. وزیر ورزش و جوانان گفت: تنوع فضای تمرینی به توسعه رشته ها در استان های دیگر و به فضای ذهنی ورزشکاران کمک می کند. ما برای بازی های آسیایی امیدوار هستیم تا شرایط خوبی را ببینیم و با تلاش شما و ورزشکاران، این موفقیت را به دست خواهیم آورد.

وزیر ورزش و جوانان در این نشست تخصصی گفت: با توجه به شرایط و فضایی که وجود دارد، ذهن و باور خود را متعالی تر کنیم. در آخرین رویداد در بازی های آسیایی هانگژو افت قابل ملاحظه ای داشتیم و باید روند رو به رشد خود را از بازی های آسیایی ۲۰۱۰ ادامه می دادیم. انتظار از ما بالا است و قرار نیست فقط وضع موجود را حفظ کنیم.

وی ادامه داد: امکانات ورزش ما کم نیست و می شود اتفاقات بهتری را رقم زد. اعتقاد دارم اگر خاستگاه و افق ما بزرگ تر باشد و ظرفیت خود را باور کنیم، پای کار می ایستیم و کار به نتیجه می رسد و موفق خواهید شد. اصل تفکر و رویکرد شما برای جهش است. از اینکه این اتفاق رخ ندهد، نترسید.

وزیر ورزش و جوانان افزود: ما یک خانواده هستیم و مشکلات شما، مشکلات ما است و اگر هم افزایی کنیم، اتفاقات خوبی را رقم خواهیم زد. در خصوص تجهیزات هم به شما کمک خواهیم کرد و قطعاً این نشست ها را تکرار خواهیم کرد و گزارش ها و بررسی ها را عملیاتی تر پیش می بریم. دنیا مالی در خصوص جذب اسپانسر توسط فدراسیون گفت: قابلیت جذب اسپانسر را دارید و باید پیگیری هایی صورت بگیرد که یک مجموعه، اسپانسر فدراسیون شود و ما هم همه تلاش خود را می کنیم تا توجه رویکرد رئیس جمهور، بتوانیم اتفاقات خوبی را رقم بزنیم. وی در پایان گفت: تنوع فضای تمرینی به توسعه

در شرایطی که حدود ۶۲۰ روز تا بازی های آسیایی ناگویا زمان باقی است وزیر ورزش و جوانان نشست های تخصصی خود و معاونین را با فدراسیون های مدال آور آغاز کرده که به نظر حرکت معقولانه و سنجیده و به موقعی است. در نشست با فدراسیون ها احمد دنیا مالی تیمی متشکل از علی رغبتی، محمدشروین اسبقیان، سیدمناف هاشمی، فریبا محمدیان، عابدی محزون را کنار خود دارد که این تیم شناخت کافی از دپروز و امروز ورزش، وضعیت فدراسیون ها، بودجه های تخصیصی، توانمندی ها و نیروی انسانی و امکانات ورزش دارند. به عبارتی فدراسیون ها نه می توانند وعده های تخیلی برای جذب بودجه بدهند نه از زیر بار مسئولیت و وعده موفقیت و مدال شانه خالی کنند.

دنیا مالی که خود بارها اینطرف میز به عنوان رئیس فدراسیون مقابل وزیر و معاونین نشسته حالا با انتظارات منطقی از روسای فدراسیون ها استقبال می کند. به طور مثال وزیر ورزش می داند همدال لبه مرز مدال است با توجه به حضور قدرت های جهانی در آسیا کار سختی پاکدل دارد ولی اگر شرایط مهیا شود همدال شانس سکو دارد، کبدی می تواند قول یک طلا یک نقره یا برنز را بدهد و تنها رشته تیمی است که دو مدال را حتمی دارد اما اینبار توجه روی طلای بانوان کبدی است اما تیروکمان که رشته خاصی است وعده ۳ مدال را داده است. خاص از این جهت که در کنار شرایط جسمانی و روحی روانی و اردوها و تدارکات فاصله بین مدال یا حذف شدن به لحظه بستگی دارد. درست آن لحظه که کماندار تیر را در چله کمان گذاشته و زه را تا نهایت می کشد و فکر و بازو و بدن و همه اجزا باید با هم هماهنگ باشند و اگر یک صدای بی موقع بلند شود تیر خطا رفته است! شعبانی بهار که در المپیک پاریس یکی از کماندارانش برای نخستین بار صعود کرد و اگر تجربه می داشتند به دور پایانی هم راه یافته بود برای ناگویا وعده سه مدال را داده است. کاری پس دشوار که باید برای تحقق آن شبانه روز خود را بگذارند.

وی می گوید: البته برای بازی های کشورهای اسلامی در تلاشیم تا ۷ مدال کسب کنیم چون جوانان بسیار خوش آتیه ای داریم و باید میدان ببینند تا برای ناگویا آمادگی





فدراسیونی که با اصول علمی و کلاسیک بیگانه است

مجید جلالی را یک سال سر کار گذاشتند!

و علاقمندان فوتبال از عاقبت این حکم و برکناری ۱۴ روزه مایلی کهن هم اطلاع دارند، که خیلی به آن ورود نمی کنیم و... عملکرد سینوسی آقایان پایانی نداشت و یک اقدام عجیب دیگری در انتظار اهالی فوتبال بود. سه سال پیش و در یک اقدام غیر اخلاقی و زشت، اسکوچیچ را از تیم ملی برکنار و با دخالت برخی عوامل پشت صحنه کی روش را بر مصدر امور قرار دادند، در بازگشت از جام جهانی و آن نتایج ضعیف کی روش برکنار شد. این بار آقایان برای پاک کردن صورت مساله به انتخاب مربی ایرانی روی آوردند. در جلسه ای که اهالی رسانه و تنی چند از مربیان حضور داشتند، مقرر شده بود، از آقایان قلعه نویی، فرکی، الهامی، تارتار و حمید مطهری برنامه بگیرند) در آن نشست شیوه برخورد تاج با مهاجرانی، یآوری و قلعه نویی را به تفصیل بیان کردم که برای اعضا حاضر غیر قابل باور بود. به هر حال برای فدراسیونی که با بی مبالاتی و گنجاندن سه کلمه در متن قرار داد ویلموتس باعث خسارت ۱۰۰۰ میلیارد تومانی می شود، این نوع رفتارها خیلی عجیب نیست. برای اینها تنها کرسی ریاست مهم است نه آبروی افراد. اینها اگر بخواهند برای مجمع، یک جلسه مجازی برگزار می کنند. در اساسنامه دست می برند، مصوبه مالی را با تلفن و رای مجازی می گیرند و همه چیز را مهندسی می کنند. خیلی رفتار دوگانه برای آنها مهم نیست. راست، راست مقابل دوربین قرار می گیرند و همه چیز را هم نفی می کنند.

از لطف نیست تا بدانیم در حوزه فوتبال با چه کسانی روبرو هستیم. در دوره ای که امیرقلعه نویی سرمربی استقلال بود، در جلسه ای مقرر شد کمیته فنی با حضور مهاجرانی، یآوری، پروین و یکی دو عضو دیگر تشکیل و سرمربی تیم ملی هم قلعه نویی باشد. استقلال با قلعه نویی در همان زمان با تیم شان در امارات بودند و در کوران جام باشگاهها قرار داشتند (در جلسات به تاج گفته شد محمد مایلی کهن با احمدی نژاد در نمایشگاه بین المللی یا جای دیگری برای مربیگری تیم ملی هماهنگ کرده است و هماهنگی با کمیته فنی مزبور و قلعه نویی اساسا قابلیت اجرا ندارد).

تاج به جد این موضوع را نفی کرد و مقرر شد در اولین فرصت موضوع تشکیل کمیته فنی اجرایی و در مرحله بعد با هماهنگی استقلال کار انتقال قلعه نویی نهایی شود و... تاج در این مرحله با یکی از نمایندگان مجلس و... مذاکراتی انجام داد. طبق رویه ایشان که از همان ابتدا پیش بینی می شد تمام موضوعات قبلی به یک باره هوا شود(دلایل منتفی شدن این اقدام را به جهت رعایت برخی اصول اخلاقی رسانه ای نمی کنیم). جالب اینکه بعد از ظهر همان روز محمد مایلی کهن به همراه نادر فریاد شیران به ساختمان فدراسیون فوتبال مراجعه می کنند (مایلی کهن با حضور در دفتر ایشان حکم مربیگری را دریافت و فریاد شیران در پایین ساختمان و در خودرو منتظر بازگشت حاجی مایلی می ماند). هواداران

رنجنامه مجید جلالی و برخورد ناشایست با ایشان در فدراسیون فوتبال، یک بار دیگر نشان داد که اداره این رشته هرکی هرکی و با اصول علمی و تخصصی در تضاد جدی است!

اظهارات مجید جلالی در گفت و گو با مهدی توتونچی در برنامه شبهای فوتبالی، تلخ و گزنده بود. تاسف بار است فردی کاربلد، متخصص و با اخلاق شایسته را دعوت به همکاری می کنند تا پایه گذار یک کار علمی و زیر بنایی در فوتبال باشد، اما در ادامه و بعد از یک سال به وی می گویند به دلیل آنکه در اساسنامه فدراسیون، موضوعی در باره کمیته فنی (تکنیکال دایرکتوری) وجود ندارد، نمی توانند با ایشان همکاری کنند! باید پرسید روزی که ایشان را دعوت به همکاری کردید و در حضور پنج نفر از اعضا فدراسیون، نامبرده را موظف به پیگیری یک کار علمی و شبانه روزی کردید، نمی دانستید در اساسنامه چنین موضوعی وجود ندارد؟ جالب اینکه جلالی با یک سال کار دقیق علمی و استفاده از بیش از یک صد کارشناس و متخصص برنامه ای مدون و زیر بنایی تهیه نمود. از فیفا کمک گرفت و اساس کار فوتبال ایران را بر اساس اصول حرفه ای پایه گذاری کرد و... برای ما که چهل و اندی سال با فوتبال سر و کار داریم و رویه غلط این افراد را می شناسیم خیلی از این رفتار دوگانه تعجب نکردیم. همین رفتار را آقایان چند سال پیش با حشمت مهاجرانی و شادروان محمود یآوری و... داشتند، که بیان آن خالی

مدیر کل ورزش و جوانان استان تهران

ساختار کنونی اداره کل، جوابگوی ورزش تهران نیست

نظارت داشته باشیم. ماهیانه به طور میانگین چند صد مورد نظارت از باشگاههای بدنسازی صورت می گیرد و هرگونه تخلفی در آنجا مشاهده شود برخورد می کنیم. البته روش ما در این زمینه پیشگیرانه است و برگزاری بیش از ۳۰ دوره جلسات هماهنگی با مدیران باشگاهها یکی دیگر از ابتکارات این اداره کل بود که تعداد نفرات در جلسات به بیش از ۳۰۰۰ نفر رسیده است.

وی در بخش دیگری از صحبت های خود به واگذاری بخشی از زمین های استادیوم تختی به شهرداری و تهاثر آن با چند مکان ورزشی از جمله شهید کاظمی، امام رضاع، مجموعه سوارکاری شهید برز آبادی، تاکسیرانی و... پرداخت و تصریح کرد: این اقدام پس از بررسی های همه جانبه و در راستای تامین منافع عمومی انجام شد. ما بخشی از مجموعه تختی را که زمین خالی و بلااستفاده بود را جهت انجام پروژه های شهرداری که از اولویت های اقدامی و تأمین بود و ملزم به همکاری بودیم واگذار کردیم در عوض چند ورزشگاه دایر و فعال را با مساعدت شهردار محترم و اعضای محترم شورا برای اداره کل گرفتیم. این امکان متعلق به اداره کل و دولت خواهد بود و جمع کثیری از علاقه مندان ورزشی هم اکنون در آنجا به فعالیت می پردازند که به سرانه فضای ورزشی فعال استان تهران اضافه شد.

وی در پایان بر این نکته پافشاری کرد تا زمانی که مسئولیت دارم اجازه نخواهم داد یک سانتیمتر از فضای سرانه ورزش تهران کم شود. در همین راستا از وقتی که مسئولیت پذیرفته ام جلو تمام واگذاری های غیرقانونی را گرفتم. با این وجود برنامه داریم مقدار سرانه ورزشی فعلی ورزش را بیشتر کنیم. در همین راستا با مساعدت و دستور مستقیم استاندار محترم تمهیدات لازم جهت ساخت یک مجموعه خوب جهت ناسنویان استان تهران در ورزشگاه تختی اندیشیده شده، و خدا را شکر استان تهران استانداران ورزش دوستی به خود دیده و نیز مهندس معتمدیان استاندار تهران نیز در همراهی با این موضوع بودجه خوبی را برای ساخت این مکان اختصاص داده و البته دستور ترک تشریفات را هم داده است که بابت این موضوع باید از ایشان تشکر نماییم. همچنین در نظر داریم خانه ژیمناستیک مناسبی را در مجموعه تختی بسازیم.

خبر خوب بسیار مهم دیگر این است که بزودی دو مجموعه استاندارد بین المللی با ابعادی بالغ بر ۷۰۰۰ متر مربع در مجموعه ورزشی تختی شروع به ساخت نموده است که بابت این موضوع نیز باید از شهرداری تهران تشکر نماییم. لازم به ذکر است متوسطه سرانه ورزش در دنیا حدود ۳ متر، در کشور ما حدود ۸۷ سانتیمتر و این میزان در تهران تنها ۴۷ سانتیمتر است. با این وجود بیشترین مدال را تهرانی ها می گیرند باز هم توقع از تهران هم بیش از استان های دیگر است. ما باید بتوانیم سرانه ورزش را در کشور به یک و نیم متر افزایش بدهیم. برای رسیدن به این شرایط ضرورت دارد از بخش خصوصی کمک بگیریم. پی گیر این سیاست در ورزش تهران هستیم در همین راستا و برای نخستین بار قراردادی به مبلغ ۱۴۰ میلیارد با بخش خصوصی منعقد کردیم که این رقم در حالیکه قبل از این، کل سرمایه گذاری بخش خصوصی در ورزش تهران حدود ۱۴ میلیارد بود در حالیکه در این دو و نیم سال ما مجموعاً حدود ۳۰۰ میلیارد با بخش خصوصی قرار داد بسته ایم لذا بنده با افتخار دست هر کسی را که در ورزش سرمایه گذاری می کند را می بوسم. در پاسخ به این پرسش که چرا شورای اندیشه ورزشان اداره کل متشکل از پیشکسوتان و چهره های شناخته شده و با تجربه هر رشته چندان فعال نیست به خود این عزیزان باز می گردد زیرا من به آنها اعتقاد دارم و علاقه مند از این ظرفیت کمک بگیرم با این وجود پی گیری می کنیم تا آنها به عنوان مشاورین امین اداره کل به پیشرفت و توسعه ورزش استان تهران کمک نمایند. خدا را شاکرم که در سه سال گذشته موفق شدیم در المیاد استعداد های برتر کشور با اختلاف بسیار زیادی استان برتر شویم و در دو سال مستمر نیز خود اداره کل با اعتقاد به اهمیت فرایند استعدادیابی، جریان برگزاری مسابقات با هدف شناسایی نخبگان ورزشی در رشته های المپیکی به خصوص با چشم انداز مسابقات المپیکی ۲۰۲۸ لس آنجلس پیگیری و اجرا نماییم. در پایان باید اشاره نمایم استراتژی و چشم انداز ما برای افزایش تعداد اعضای تیم های ملی در رشته های المپیکی و پارالمپیکی ۲۰۲۸ بوده و برنامه های عملیاتی برای تحقق این مهم با شناسایی ظرفیت های موجود آغاز شده است.

علی جوادی مدیر کل ورزش و جوانان استان تهران در مقام روشنگری نسبت به موارد مطرح شده و تبیین فعالیت های صورت گرفته در عرصه ورزش استان تهران گفت: لازم می دانم ابتدا از مراسم تجلیل از قهرمانان ورزش استان یاد کنم، مراسمی که در راستای قدردانی از ورزشکاران مدال آور استان تهران طی بازی های المپیکی، پارالمپیکی و بازی های آسیایی ناسنویان انجام گرفت. در این ارتباط اهتمام و اعتقاد دارم در چنین مراسم هایی، ضرورت دارد، پیشکسوتان و آینده سازان ورزش نیز در کنار سایر مدال آوران حضور داشته باشند تا اولاً بزرگترهای ورزش مطمئن باشند که از پادها نمی روند و ثانیاً آینده سازان هم بدانند در صورت تلاش جابای قهرمانان و پیشکسوتان خواهند گذاشت. طی دوران مسئولیت خودم ۸۳ بار مراسم تجلیل داشته ایم که سعی کرده ام در تمام این مراسم پیشکسوتان و البته استعداد های ورزشی که همانا آینده سازان ورزش می باشند نیز حضور داشته باشند. اینکه عده ای پرسیده اند چرا انتخابات هیات تهران به سرعت در دستور کار قرار گرفته است، پاسخ روشن است چون زمان آن فرارسیده بود و هیات فوتبال طبق قانون می بایست مبادرت به این کار می کرد بنابراین و طبق قانون، زمان ثبت نام و سپس مراحل انتخابات مشخص شده است و این کار پس از طی مراحل اداری و قانونی انجام خواهد شد و هیات فوتبال نیز با توجه هماهنگی فدراسیون فوتبال این فرایند را شروع نموده است.

جوادی در بخش دیگری از صحبت های خود ضمن مقایسه موقعیت تهران با دیگر استان های کشور خاطر نشان کرد: حدود ۲۵ درصد سید مدال ها به تهران تعلق دارد و ما در بازی های المپیکی و پارالمپیکی ۸ مدال گرفتیم. در استان های دیگر چون تعداد مدال آوران کمتر است در نتیجه مسئولین کار ساده تری نسبت به استان تهران جهت دادن امکانات دارند. باید تلاشمان را بیشتر کنیم که بتوانیم به ورزشکاران مان امکانات بیشتری بدهیم و عوامل انگیزش بخش را بیشتر نماییم. حجم کار و گستره امکان ورزشی و ورزشکاران تهران نیز بسیار بیشتر از برخی استان های دیگر است.

هر کدام از مناطق تهران چندین برابر برخی استان ها باشگاه و ورزشکار دارد اما ساختار ما و استان های دیگر تفاوتی با هم ندارند. به اعتقاد من باید ساختار اداره کل ورزش و جوانان تهران تغییر کند. ساختار کنونی جوابگوی حجم فعالیت های ورزش تهران نیست. پیشنهاد ما این است که ساختار ما به سازمان تغییر شکل بدهد تا بتواند با پتانسیل بیشتری نسبت به افزایش بهره وری اقدام نماید. به نظر من بهره وری صرفاً و فقط کوچک کردن ساختار نیست بلکه متناسب سازی ساختار با حجم مأموریت های محوله است. ممکن است در یک بخشی یک مسئول حقوقی در ساختار اضافه نماییم که گمان این باشد که ساختار افزایش می یابد اما در نهایت قطعاً صیانت از اموال بیت المال با حضور همان یک نیروی حقوقی بیشتر می شود و جلوی خسارات میلیاردری گرفته شود.

وی در خصوص آماده سازی استادیوم تختی جهت برگزاری مسابقات فوتبال گفت: راه اندازی این مجموعه در زمان کوتاه، کار شبانه روزی و جهادی است که طی شش ماه تلاش مداوم و خستگی ناپذیر انجام شده و هنوز نیز ادامه دارد. حدود صد و چهل مورد ضرورت ها را برطرف و امکانات را در آنجا مهیا کرده ایم و بعد از برگزاری مسابقه اول که با هدف شناسایی عیوب اولیه بود چهارده مورد دیگر نیز در قالب مکاتبه اعلام شد که روزهای پایانی رفع مسائل را پشت سر می گذاریم. مدیر کل ورزش و جوانان استان تهران در رابطه با مبارزه با فساد در فوتبال تهران تأکید کرد: اقدامات قاطعانه و جدی در این رابطه انجام گرفته انصافاً هیات فوتبال تهران هم پای کار بوده، توانستیم تا حدود زیادی مجراهای فساد برانگیز را مسدود کنیم. نمی گویم فساد در فوتبال تهران کاملاً از بین رفته اما تا حد ممکن کاهش یافته است. تلاش می کنیم این معضل را به صفر نزدیک کنیم.

طرحی که دوستان در رابطه با آموزش آنلاین فوتبال اشاره کردند می تواند برای کوتاه کردن دست ذی نفعان مفید باشد. اینکه گفته شده نظارت در باشگاه های بدنسازی کم شده را قبول ندارم از قضا ما نظارت را بیشتر کردیم اما چون تعداد باشگاهها زیاد شده و ما هم نیرو کم داشتیم لذا با ابتکار اداره کل شبکه داوطلبی نظارت ایجاد کردیم تا بیش از پیش بر تمام اماکن ورزشی

خیلی

ها منتظر این فرصت ایجاد

شده هستند تا ببینند، در مجمع

انتخاباتی فدراسیون شطرنج، قرار است چه

کسانی کیش و مات و چه کسی با شایستگی پیروز

آن انتخابات خواهد شد. مدتهاست که حرف و حدیث

و مسائل حاشیه‌ای بسیار بر شطرنج کشور سایه انداخته

و آن را در شرایط نابسامانی قرار داده است! واقعیتی

که تداوم آن می‌تواند، مشکلات شطرنج را بسیار

حادتر از آن چیزی که در حال حاضر وجود

دارد، کند. در شطرنج اگر چه مدعیان

در شرایط کنونی بسیارند! اما قطعاً همه

آنها حائز تصدی پست ریاست آن فدراسیون

نیستند. فدراسیونی که به لحاظ مدالی هم

از جمله فدراسیون های تاثیر

گذار و پر امید ورزش کشور به

حساب می‌آید و همین میزان

اهمیت، می‌طلبد که نگاه به این

رشته و مجمع انتخاباتی آن نیز یک

نگاه از سر دلسوزی و خیر خواهانه باشد

و بتواند شطرنج را به مسیر اصلی خودش

باز گرداند و این جاست که وظیفه مسئولان

نظارتی و تأیید صلاحیت کننده کاندیداها دو

چندان اهمیت پیدا می‌کند. آنهایی که بدون شک

مثل همیشه می‌توانند با اقدامات درست و بموقع

خود کشتی پر تلاطم شطرنج را به ساحل نجات آن

هدایت کنند که جامعه شطرنج اطمینان دارد که این اتفاق خواهد

افتاد. در چنین شرایطی باید منتظر نشست و در انتظار بروز اتفاقات

خوب در مجمع پیش روی فدراسیون شطرنج بود. البته بدون شک

در تحقق این اتفاق نقش وزارت ورزش و جوانان مثل همیشه می‌تواند

بسیار راهگشا و تعیین کننده و تاثیرات مثبت خودش را نیز بر روی انتخابات

پیش رو بگذارد.

پایان رویاها و رسیدن به واقعیت

جامعه شطرنج

در انتظار روز سرنوشت!





نوشته ای برای ثبت در تاریخ؛

فوتبال را به گروگان گرفته اند!

اهانت به مردم و هواداران فوتبالی می دانیم. شما خیلی نیاز به ارائه طرح و برنامه و وعده های تو خالی ندارید، چون در لحظه ثبت نام خیلی ها با امضا فرم تایید ها، ارادت خودشان را به اثبات رساندند!! این نوشته باید در تاریخ ورزش ایران ثبت شود که برخی برای به انحصار کشاندن مدیریت فوتبال در اساسنامه دست بردند. برخی افراد هم با این عده همراهی کردند و با انشعاب با آنها، نکته ای تاریک در عملکرد خود بر جای گذاشتند.

باید این موضوع در تاریخ ثبت شود که مسئولان وزارت ورزش و برخی نهادها و سازمانها با آزمونی جدی مواجه هستند. فوتبال و آینده آن در گرو تصمیم شجاعانه آنهاست.

شواهد و قرائن حکایت از عدم تایید صلاحیت یک یا دو نامزد دارد، برخی هم پوششی هستند و در آستانه انتخابات کناره گیری خواهند کرد.

به نظر می رسد با این سبک و سیاق آبی به نفع فوتبال ما گرم نمی شود و با این دست فرمان بجایی نخواهیم رسید.

شاید لازم باشد این انتخاب را به فرصتی دیگر موکول و شرایط عادلانه و مبتنی بر مساوات را ایجاد کنیم، تا راه برای ورود افسراد دارای صلاحیت و با برنامه باز شود.

گرفته اند. مردم ما از نامزدهای پوششی و افراد تکراری دل خوشی ندارند.

برخی در کوران انتخابات ریاست جمهوری وعده های نشدنی به مردم دادند، اما در لحظه های آخر از حضور در صحنه انصراف دادند.

ملال آور است که این بازی سازی را در صحنه فوتبال هم می بینیم.

فدراسیون فعلی به جهات مختلف فاقد مقبولیت و مشروعیت لازم است.

غیر منصفانه است، برای مسدود کردن راه و جلوگیری از ثبت نام افراد، دو عضو حاضر در عرصه فوتبال بجای ده فرم تاییدیه تعداد ۵۹ فرم ارائه کنند. (یعنی من می آیم و نمی گذارم شما بیایی)!

نکته جالب اینکه مدیران فوتبال، در مواجهه با سوالات مکرر مردم و نمایندگان مجلس در باره چرایی تعویق مطالبات ویلموتس، مشکلات تحریم و عدم همکاری فیفا را پیش کشیدند، اما حالا در آستانه انتخابات جدید، به مردم وعده های آنچنانی می دهند. انگار اینفانتینو کت بسته در اختیار آقایان قرار دارد و اگر لب تر کنند، فیفا با تمام اعوان و انصارش، این درخواست ها را اجابت خواهند کرد!!

نمونه این وعده ها را سالها است از سوی نامزدهای نمایندگی مجلس، شوراها و ریاست جمهوری شاهد بوده ایم و حالا تکرار آن از سوی برخی نامزدها را

ماه رجب، اعتکاف و خلوت کردن با خود فرصت مغتنمی بود تا قدری به فکر مردم و جامعه باشیم. در انجام وظیفه بی ادعا کار کنیم. اگر توانایی انجام مسئولیت ها را نداریم، به صراحت و با شجاعت از صحنه کناره گیری کنیم و رشته امور را به افراد با صلاحیت و کارآمد بسپاریم.

باید قبول کنیم:

فوتبال مایه جای تدوین برنامه های راهبردی و شناسایی نقشه راه، به بده بستان های همیشگی، مدیریت انحصاری، آدم های تکراری و خرید رای دل بسته است.

فوتبالی که در مقوله فرهنگ، آموزش و مقابله مصادیق فساد و ناهنجاری برنامه و اراده لازم را ندارد.

فوتبالی که در باشگاههایش یک سری مربیان تکراری و انحصاری و با مدیرانی خاص و توصیه شده اداره می شود.

فوتبالی که پولهای میلیاردری از جیب بیت المال در آن هزینه می شود و دلالتها در آن جولان می دهند، هنوز از نداشتن چمن و زمین بازی با محدودیت جدی روبرو است!

فوتبالی که داعیه حرفه ای دارد، هنوز پس از چهل و اندی سال نتوانسته حق پخش تلویزیونی را سر و سامان دهد.

این نوشته و نگرانی را باید در تاریخ ثبت کنیم که عده ای خاص و چسبیده به فوتبال همه چیز را به انحصار

در مجمع فدراسیون والیبال چه گذشت؟

سرمایه سوزی نکنیم!



ورزش سه | varzesh3.com

چرا که در چنین وضعیتی این سوال پیش می آید که چه لزومی به برگزاری چنین مجامعی آن هم با این شکل و سیاق وجود دارد؟ اما نکته جالب توجه، برگزاری چنین مجامعی این است که درصدی قابل توجه از اعضای مجامع این چنینی این است که برخی از دوستان به همان تک کاندیدا هم رای نمی دهند! که این موضوع، بنوعی توهین به شعور اعضای مجمع، آن هم به عنوان نمایندگان جامعه ورزشی است! جامعه ای که باید به آن احترام گذاشت! مجامعی که متأسفانه بعد از برگزاری آن، زمزمه‌هایی مبنی بر هماهنگی و ادای تکلیف بابت عدم دادن رای به محمد رضا داورزنی شنیده شد، که یکبارگی نمی شد! و جامعه ورزش شاهد چنین سرمایه سوزی‌هایی آن هم به این شکل نبود!

ورزش از برگزاری چنین مجامعی چیست؟ آنها در راه برگزاری چنین مجامعی بدنبال چه می گردند. اگر اعتقاد به خرد جمعی و نبوغ و پویایی و مذاکره و مباحثه باشد، با رعایت تمامی موارد و احترامی که باید برای اعتقاد افراد قائل شد، باید بگوییم که مجامع اخیر نه تنها اثرگذاری کافی را نداشت، بلکه بنوعی شأن آدم‌های تصمیم گیر و تصمیم ساز را هم آنقدر پائین آورد، که بهیچوجه قابل پیش بینی نبود! چرا که قبل از برگزاری اکثریت این مجامع خروجی و نتایج آن کاملاً مشخص است. پس برای جلوگیری از هرگونه صرف انرژی و هزینه از سوی دست اندرکاران برگزاری، اگر قرار بر این است که تنها یک کاندیدا وجود داشته باشد، همان بهتر که دیگر مجمعی برگزار نشود.

برگزاری مجمع انتخاباتی اعضای هیئت رئیسه فدراسیون والیبال، برای کشور چند ۱۰ میلیونی و والیبال ایران، با این جایگاه و قدمت، آن هم با تک کاندیدای فاقد رقیب، منتج به چه نتیجه‌ای جز نتیجه‌ای که بدست آمد، می توانست باشد! برآستی هدف از برگزاری چنین مجامعی چیست؟ آیا اعضای مجامع نباید جرات انتقاد داشته و بتوانند برخلاف نظرات رئیس فدراسیون‌ها، پیشنهادی داشته و یا نظری نقد گونه را ارائه دهند؟ آیا وزارت ورزش نظارتی بر برگزاری مجامع این چنینی دارد؟ و یا اینکه، فقط قرار است مجمعی برگزار و تکلیفی انجام شده باشد؟ برآستی پاسخگوی نحوه برگزاری مجامعی مانند مجمع اخیر فدراسیون والیبال چیست؟ آیا صرفاً هدف از برگزاری چنین مجامعی رعایت شکل ظاهری و اجرای اساسنامه‌ای و قوانین منطبق بر آن بود؟ یا اینکه اجرای قانون در جهت پیشرفت و پیشبرد اهداف کلان باید می بود؟ نقطه شاهکار سید میلاد تقوی در آن مجمع، عدم مطرح کردن موضوع همکاری ظاهری با محمد رضا داورزنی ریاست اسبق فدراسیون والیبال و مشاور امروز وزیر ورزش و شکل پیشنهادی، آن درباره انتخاب ایشان به عنوان رئیس افتخاری فدراسیون والیبال بود! اما شاهکار دیگر هم نوع رای گیری آن مربوط می شد، که با عدم همراهی اعضای مجمع به شکلی توهین آمیز و مخالفتی اعجاب آور تصور گمانه زنی‌هایی را در ذهن جامعه والیبال متبادر کرد، که گویی شکلی از دموکراسی فرمایشی در مجامع فدراسیون‌ها حاکم است. حال باید دید که هدف وزارت



با مدیریت مجتبی دین محمدی

MDM



بزرگترین
تولید کننده وزنه
و میله های استاندارد
بدنسازی و
کف پوش های
بدنسازی

هر گونه خرابی
وزنه ها شامل
گارانتی ویژه
می باشد



وقت اضلاع

پایگاه خبری

vaghteezafehvarzash.ir



با ما همراه باشید...